

باقی می‌ماند و سوجبات پیدایش برگ و اعضای هوایی گیاه را در هر سال فراهم می‌آورد. برگهای آن بسیار بزرگ و دارای ظاهر پنجه‌ای، سوجدار، کامل یا داندانه‌دار و یا لوب‌دار است. ازدرون برگهای انبوه آن، ساقه سبیل‌دگل به ارتفاع ۲ متر و حتی بیشتر، خارج می‌شود که در انتها بسه مجموعه‌ای از گل‌های مجتمع به صورت خوشه استوانه‌ای ختم می‌گردد. گل‌های آن نر- ماده و دارای نهیج متعراست. تعداد و پرچم دارد که ۳ زوج آنها در ردیف خارج و ۳ تایی بتیبه، در یک ردیف داخلی جای دارند. تخمدان آن یک خانه و میوه‌اش به صورت فندقه است.

رویابوب‌های افی سینال، گل‌هایی به رنگ سبیل به زرد یا قرمز دارند. برگهای آنها عموماً بزرگ ولی در هر حال دارای شکل متمایز، در گونه‌های مختلف است.

در *Rheum officinale*، پهنک برگها دارای بریدگی کمتر است و فقط کناره برگها، لوب‌های مشخص دارد در صورتی که در *Var. tanguticum* و همچنین در دوره‌های مختلف *Rh. Palmatum* بریدگی‌های پهنک برگ، عمیق‌تر می‌باشد.

**برداشت محصول** - زمان برداشت محصول در نواحی مرتفع معمولاً ماه شهریور است.

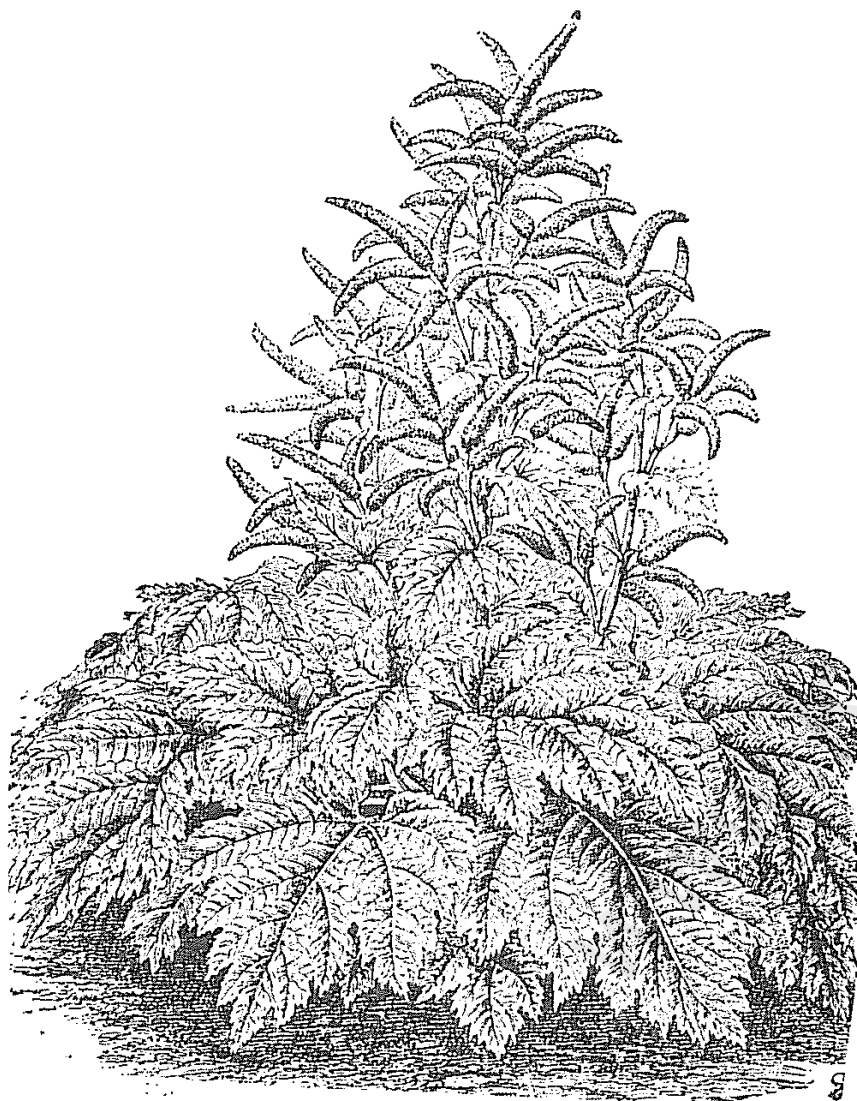
در این هنگام، غده‌های زیرزمینی را که مقدار کمتری آب در بر دارند، از زمین خارج می‌کنند و پس از تراشیدن سطح خارجی آنها، بطوری که عاری از ریشه، ریشه‌های فرعی و بقایای خشک شده برگ گردد، آنها را به قطعات کوچک تقسیم کرده انتهای هر یک از قطعات را سوراخ می‌نمایند و طناب نازکی از آنها عبور می‌دهند به نحوی که با اتصال دادن دو رأس طناب به دو نقطه ثابت، کلیه قطعات، حالت آویخته بخود بگیرند و در مجاورت هوا، بهتر خشک شوند.

عمل خشک کردن قطعات، در برخی از مناطق مرطوب، درون کلبه‌های چوبی با فروختن آتش صورت می‌گیرد. از معایب این طریقه آن است که قطعات رویارب پس از خشک شدن، بوی دود می‌گیرند و نوع ناسرغوب بوجود می‌آید.

عده‌ای معتقدند که برداشت محصول باید از ریزوسهای ۱۰ ساله صورت گیرد ولی آنچه که متداول است استفاده از ریزوم‌های گیاه ۶ ساله می‌باشد.

انواع سس این گیاهان ریزوم قوی دارند. برگهای آنها نیز چند متر سریع از سطح زمین را اشغال می‌کنند. چنین پایه‌هایی اگر از زمین خارج گردند، غده‌های فراوانی از آنها به دست می‌آید که بعضی از آنها، دارای حجمی به بزرگی سربک‌گاو است.

قطعات رویارب افی سینال، به اشکال نامنظم، مسطح یا کمی مقعر، استوانه‌ای شکل یا گرد و غیره در بازار گاتی عرضه می‌شود. رنگ آنها زرد آجری، زرد سبیل به قرمز، زرد سبیل به خرمائی و گاهی دارای لکه‌های تیره رنگ (بقایای سوب) است. بر روی آنها، اثر ریشه و ریشک‌های



ش ۶۱ - *Rheum officinale*: گیاه کامل گلداد (Bail.)

قطع شده نیز نمایان می باشد.

بوی این قطعات، مشخص و متناسب با نوع گیاه است. طعم آنها تلخ و قابض می باشد  
بعلاوه اگر جویده شود بزاقی را به شدت به رنگ زرد در می آورد.

**ترکیبات شیمیائی** - رویارهای افی سینال دارای تاننوئیدهای (Tannoides) با  
ترکیب شیمیائی درهم، گلوکزیدها و مواد دیگر است.

تاننوئیدهای رویار، طبق تحقیقات Gilson عبارت از کاتشین Catéchine (1)،  
بتا-گلوکوگالین  $\beta$ -glucogalline یا بتا-گلوکوگالوزید  $\beta$ -glucogalloside (از تجزیه اش  
گلوکز و اسیدگالیک حاصل می شود)، تترارین tétrarine یا تتراروزید tétraroside (جسمی  
است متبلور که بر اثر هیدرولیز، موادی مانند گلوکز، اسیدگالیک، اسیدسینامیک و رئوسمین  
Rhéosmine می دهد)، اسیدگالیک آزاد و غیره است.

در قطعات رویار، مشتقات آنرا کینونیک متعدد یافت می شود که مهمترین آنها عبارت  
از اسید کریزوفانیک ac. Chrysophanique، امودین emodine یا امودول emodol  
است. ماده اخیر در پوست بوردن، کاسکارا و نرپرن نیز وجود دارد، بعلاوه دارای ماده قابل تبلوری  
به نام رئین rheine است (Hesse در سال ۱۸۹۴) که در انواع دیگر Rheum نیز وجود  
دارد.

علاوه بر مواد مذکور، مواد کم اثر ویا بی اثر نظیر اسلح مختلف، مواد چرب، مواد  
پروتئیک، قندها، اسیدهای آلی مختلف، اسانس به مقدار ۰.۰۰۵ درصد و غیره نیز در رویار  
وجود دارد.

بتا-گلوکوگالین  $\beta$ -Glucogalline (گلوکوگالیک اسید gluco gallic acid)، به  
فرمول  $C_{14}H_{16}O_7$  و به وزن ملکولی ۳۳۲.۲۶ است.

بتا-گلوکوگالین، نوعی گلوکزید یا گلوکوگانوئید است که از ریوند چینی یعنی  
Rheum officinale Baill. استخراج شده (2)، تعیین فرمول منبسط و سنز آن توسط Fischer و  
Bergmann انجام گرفته است (3).

بتا-گلوکوگالین، ماده ای است تلخ که به صورت ششوری های بسیار ریز و میکروسکوپی،  
در ستانول، آب یا اتانول ۸۰ درجه به دست می آید. در گرمای ۲۰۷ درجه ذوب می شود. بمقادیر

۱ - رجوع شود به جلد دوم این کتاب.

2 - Gilson Compt. Rend. 136,385 (1903).

3 - Fischer, Bergmann, Ber. 51, 1760 (1918).

زیاد در آب گرم ولی بمقدار کم در آب سرد، متانول، اتانول، استن و استات اتیل حل می گردد.  
عملا در اتر، بنزن، کلروفرم و اتر دیپترول غیر محلول است.

**رئین** Rhéine (اسیدرئیک rheic acid، اسیدکاسیک Classic acid، اسید پاری-

نتیک rhu barb yellow، parietic acid)، به فرمول  $C_{15}H_{18}O_6$  و به وزن ملکولی ۳۸۴.۲۱  
است. در گونه های مختلف Rheum و گیاهان دیگر مانند انواع زیر وجود دارد و استخراج  
شده است:

|                |         |                         |    |
|----------------|---------|-------------------------|----|
| Polygonaceae   | از تیره | Rheum officinale Baill. | ۱- |
| Caesalpinaceae | -       | Cassia reticulata Will. | ۲- |
| - - -          | -       | - - angustifolia Vahl.  | ۳- |

استخراج آن از نوع اول یعنی از ریوند چینی، توسط Tutin و Clewer (1) و تعیین فرمول  
گسترده آن توسط Nawa و همکارانش صورت گرفته است (2).

رئین، به صورت بلورهای سوزنی شکل با عمل تصعید به دست می آید. در گرمای

۳۲۱-۳۲۲ درجه ذوب می شود. عملا در آب غیر محلول ولی در قلیائیات و پیریدین حل می گردد.

الحلل آن در الکل، بنزن، کلروفرم، اتر و اتر دیپترول بمقدار بسیار کم انجام می گیرد.

**خواص درمانی** - ریوند چینی اگر به مقدار کم یعنی ۰.۱ تا ۰.۳ گرم مصرف شود،

اثر قوی تلخ، اشتها آور، محلل و محرك اعمال هضم ظاهر می کند. بمقادیر زیادتر و درمانی آن،

اثر ملین و مسهلی ملایم دارد. بطوری که پس از ۸ تا ۱۲ ساعت نتیجه آن ظاهر می گردد.

**صورت دارویی** - ریوند چینی برای مصارف مختلفی به شرح زیر، مورد استفاده های درمانی

قرار می گیرد:

الف- به عنوان مقوی تلخ:

گرد ریوند به مقدار ۰.۱ تا ۰.۳ گرم به شکل کاشه یا قرص قبل از غذا - عصاره آبی

به مقدار ۰.۵ تا ۰.۳ گرم به صورت حب- تنظور ۱/۰ (هر ۵ قطره آن یک گرم وزن دارد)،

به مقدار ۱ تا ۴ گرم در روز به صورت میکستور- شراب (۶۰ گرم ریوند چینی در یک لیتر

شراب- کدکسی ۸۴) ، به مقدار ۱۰ تا ۲۰ گرم- تیزان حاصل از خیساندن ۰.۵ تا ۱ گرم ریزوم

گیاه در یک لیتر آب.

1 - Tutin, Clewer, J. Chem. Soc. 99, 946 (1911).

2 - Nawa et at., Org. Chem. 26, 979 (1961).

## ب - به عنوان ملین و سهیل:

گرد ریوند چینی به مقدار ۰.۵ ر. تا ۰.۵ گرم به صورت کاشه - عصاره به مقدار ۰.۲ تا یک گرم به صورت حب - تنطور به مقدار ۰ تا ۱ گرم در یک پیوسون یا شربت - شراب به مقدار ۰.۲ تا ۰.۶ گرم - الکتوتر کاتولیکوم E. catholicum یا رویارب کمپوزه (کدکس ۸۴) به مقدار ۱۰ تا ۳۰ و حتی ۶۰ گرم به صورت تنقیه .

مقدار مصرف ریوند چینی برای اطفال: گرد به مقدار ۰.۲ گرم بر حسب هریک از سنین عمر به عنوان مقوی تلخ و ۰.۵ ر. گرم به عنوان ملین - شربت رویارب کمپوزه، یاشیکوره کمپوزه، به عنوان ملین به مقدار ۱ تا ۳ قاشق قهوه خوری در اطفال خیلی کوچک و به مقدار ۳ تا ۶ قاشق قهوه خوری در اطفال ۱ تا ۶ ساله .  
رویارب در فرمول شربت شیکوره کمپوزه، الیکسیر دولونگ وی E. de long vie و غیره وارد می گردد.

## الف - نسخه برای رفع بی اشتهائی:

|       |              |
|-------|--------------|
| ۰ گرم | تنطور رویارب |
| »     | » نوآووبیک   |
| »     | » بلادون     |

مقدار مصرف آن ، ۴ تا ۶ قطره قبل از غذاست.

## ب - نسخه برای تقویت عمومی و رفع بی اشتهائی:

|         |             |
|---------|-------------|
| ۲۰۰ گرم | شراب رویارب |
| »       | » گنه گنه   |
| »       | » جنتیانا   |

این شراب اگر به مقدار یک لیوان لیکور خوری قبل از غذا مصرف گردد، علاوه بر تقویت عمومی، اشتها را نیز زیاد می کند.

ناسازگاری - آب آهک، استیک، دم کرده های قابض، اسیدهای غلیظ، سولیمه، سولفات - آهن و سولفات روی.

این گیاه در ایران نمی روید ولی در بازارهای داروئی و همچنین در داروخانه ها

وجود دارد .

## \* Rh. Rhaponticum L.

فرانسه : Rhubarbe des meines ، Rhubarbe anglais ، Rhapontic

انگلیسی: Pontischer rhabarber ، Pie rhubarb ، آلمانی: Rhapontic

ایتالیائی: Rubarbaro comune ، Rubarbaro rapontico ، Rapontico

عربی : راوند ذکر (Rāwand dhakar) ، اطراوندی (Atrāwandī)

این گیاه که بیشتر در دامنزشکی مصرف می شود، دارای اثر مقوی، مقوی معده، قابض و به مقدار زیاد سهیل است. در استعمال خارج، اگر ساقه پخته شده آن، بر روی آبسه های سرد و دمل قرار گیرد، باعث باز شدن و بهبود آنها می شود. مصرف این گیاه باید خیلی محدود باشد زیرا ایجاد احتقان و تجمع خون در اعضا می نماید. از این جهت برای سبتلایان به بواسیر و یبوستهای دائم و کسانیکه بعد از مصرف یک ملین، دچار یبوست بعدی می گردند، نباید تجویز شود.

باید توجه داشت که این گیاه به علت دارا بودن اکسالات فراوان برای سبتلایان به سنگ کلیه و نرله مثانه خطرناک می باشد. شیرمادرانی که از آن استفاده کنند، در نوزادان ایجاد حالت سهیلی می نماید.

از ریشه این گیاه ماده ای به نام **راپون تین** rhapontine استخراج شده است.

**راپون تین** Rhapontine (راپون تیسین rhaponticin ، پون تیسین ponticin) ، گلوکزیدی به فرمول  $C_{11}H_{14}O_9$  و به وزن ملکولی ۴۰۴.۰۴ است. از ریشه Rheum rhaponticum L. توسط Hesse (1) استخراج شده است. از هیدرولیز آن موادی نظیر راپون تی ژنین rhapontigénine و گلوکز به دست می آید.

راپون تین، به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۳۶-۳۷ درجه ذوب می شود. دارای جلوه ای با فلورسنس آبی شفاف است. در الکل رقیق، استن و آب گرم حل می گردد ولی در اتر، الکل، استن و آب سرد به مقدار بسیار کم محلول است. در کلروفرم، بنزن، اتر دویترول عملا قابلیت انحلال ندارد.

دسبرگ های جوان این گیاه نیز در بعضی نواحی بمصارف تهیه کمپوت می رسد ولی مصرف پهنگ برگ آن خطرناک است .

از بین Rheum های مذکور، منحصرأ گونه Rh. Rihēs در نواحی مختلف ایران به شرح زیر می روید که به نام **ریواس** موسوم است .

**محل رویش:** آذربایجان: نزدیک ارومیه، کوه بلقیس، کردستان: ۲۱ کیلومتری مغرب سنندج، دژشاهپور در ۱۳۰۰-۱۶۰۰ متری، کرمانشاه: کوه پارو، بهران: گنج نامه، حیدره، کومه الوئده، ۳۰ کیلومتری جنوب غربی همدان در ارتفاعات ۲۴۰۰ متری. بختیاری، اراک: تکاب، گردو، نواحی نزدیک اراک، کوه رزوند، لرستان: خارون، ۵۰ کیلومتری مشرق خرم‌آباد، نزدیک قلعه رستم، اشتران کوه، جنوب ایران، کرمان، بین باغین و خانه سرخ در ۲۲۰۰ متری، فارس: کلات، ۳۳ کیلومتری شمال غربی شیراز در ۲۳۰۰ متری، سی سخت، کوه دینار، پرسپولیس، لار



ش ۶۲ - Rheum palmatum : شاخه گلدار

پهنک برگ، گل، میوه

در ۱۰۰ متری، بلوچستان، جنوب خاش در ۱۳۰۰ متری، ۱۲۰ کیلومتری مغرب زاهدان، خراسان: طبس، شیرگشت، ۲۰ کیلومتری جنوب مشهد، بین رباط سفید و تربت حیدریه، اطراف تهران: پس قلعه، بین کرج و گچسر در ارتفاعات ۱۵۰۰-۲۵۰۰ متری، هزاربند در ۲۸۰۰ متری، یزد: در ارتفاعات ده بالا، قم: راجرد.

### Rumex acetosa L.

فرانسه : Oseille commune ، Oseille des prés ، Grande oseille

انگلیسی: Sour - grass ، Meadow - Sorrel ، Common - Sorrel

آلمانی : Wild - Sauerampfer ، Sauerampfer ، Grosser - Ampfer

ایتالیائی: Acetosa dei giardini ، Saleggiola ، Acetosa comune

فارسی : ترشک<sup>(۱)</sup> - عربی : حماض (Hhummâd)

گیاهی است چندساله، به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر و دارای ریشه ضخیم و ساقه راست و بی‌کرک که به حالت وحشی در چمنزارها، کشتزارها، کنار رودخانه‌ها و جاده‌ها می‌روید. برگهای بیضوی، تیرکمانی شکل و گل‌های کوچک با پوششی مرکب از ۴ کاسبرگ به وضع مجتمع به صورت دسته‌های ۳-۸ تایی در قسمت انتهایی ساقه دارد. رنگ گل‌های آن سبز یاسبز سایل به قرمز است. پس از آمیزش گل‌های آن، ۳ کاسبرگ هرگل، حالت واژگون بخود می‌گیرند درحالی‌که ۳ کاسبرگ دیگر که نازک و غشائی می‌باشند، رشد زیاد پیدا کرده، به صورت ۳ کفه، میوه را احاطه می‌نمایند.

پراکنندگی این گیاه در طبیعت بیشتر از راه جوانه‌هایی است که بر روی ساقه زیرزمینی آن ظاهر می‌شود. از این گیاه بر اثر کشت‌های متوالی، فرم‌ها و نژادهای متعددی با برگ‌های پهن و بزرگ به دست آمده که از آنها مانند سبزی خوردن، در تغذیه استفاده می‌گردد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، دانه و ریشه آن است.

**ترکیبات شیمیائی -** در اعضای مختلف این گیاه، اسید اکسالیک به حالت ترکیب با پتاسیم و به صورت بی‌اکسالات و کوادری اکسالات و یا به حالت آزاد وجود دارد. در شیر گیاه، مقدار کمی قند، چربی و ترکیبات آنتراکینون (رومی سین rumicine) یافت می‌شود. ریشه‌اش دارای رومی سین و گلوکزیدی است که بر اثر تجزیه، گلوکز و اسید کریزوفانییک می‌دهد. دانه‌اش دارای ۶۷ درصد مواد روغنی است.

**تاریخچه -** قدما از وجود این گیاه و اثرات درمانی آن اطلاع داشته‌اند ولی در تغذیه از آن استفاده نمی‌نموده‌اند مانند آنکه استفاده از آن، در آثار دیوسکورید و پلین ذکر گردیده است. از قرن هفدهم میلادی به بعد از آن در تغذیه استفاده می‌شده ضمناً استفاده‌های درمانی متعدد از این تاریخ به بعد از آن بعمل می‌آمده است مانند آنکه Desbois و Rochefrot در سال ۱۷۸۹

۱- نام ترشک به گونه‌های دیگر Rumex و همچنین به انواع Oxalis ها در ایران اطلاق

می‌شود.

میلادی ، شیر تازه گیاه مذکور را به عنوان ضد عفونی کننده و تب بر به کار می برده اند .  
Dr. Missa در سال ۱۷۷۰ آنرا در خنثی کردن سموم بعضی نباتات در بدن ، مؤثر می دانسته است .

**خواص درمانی** - جوشانده برگ گیاه می تواند در نارسائی عمل دستگاه دفع ادرار مؤثر واقع شود و در بیماریهای التهابی یا ناشی از اسکوربوت و همچنین در امتلاء معده، کمی اشتها، یواسیر، ورم لثه دندان و بیماریهای پوستی مفید واقع گردد.

بررسی های H. Schulz در سال ۱۹۳۹ نشان داد که اگر مداوای با آن ادامه پیدا کند، بیوست های سزین، زردی و همچنین عوارض گواتر درمان خواهد پذیرفت. در رفع تب های-نوبه، اگر ۱۰ تا ۲۰ گرم شیر گیاه به بیمار داده شود، اثر مفید ظاهر می گردد مشروط بر آنکه این عمل قبل از بروز شدت بیماری صورت گیرد.

تجارب مختلف، اثر آنرا در رفع برخی سمومیت های گیاهی مانند سموم گیاهانی نظیر Arum ، Bryonia ، Euphorbia ها و بطور کلی انواعی که شیر تند و سوزاننده و تحریک کننده دارند، تأیید نموده است.

در استعمال خارج، ضماد مخلوط برگ پخته گیاه با آرد دانه کتان و بیه خوک، دارای اثر مفید در رفع دانه ها و جوش صورت، سودا و بیماریهای پوستی دیگر است .

ریشه و دانه گیاه اثر قابض ، مقوی ، رفع قولنج ها (Coliques) ، اسهال ، اسکوربوت و درد کمردارد. در مصرف این گیاه باید به این نکته توجه گردد که فرآورده های آن برای مبتلایان به درد مفاصل، نقرس، سنگهای صفراوی، وجود اکسالات در ادرار، سلولین و مبتلایان به سوء-هضم (به علت اسیدیته که دارد) نه تنها مفید نیست بلکه خطراتی نیز همراه دارد. در حقیقت اسید اکسالیک زیاد که در این گیاه وجود دارد، چون به خلاف سایر اسیدهای آلی در بدن از بین نمی رود، به علت تراکم و جمع شدن در اعضاء، موجبات ناراحتی در مجاری ادرار، کم شدن و قطع ادرار، اورمی و حتی جراحاتی را در کلیه فراهم می آورد (۱).

سمومیت با مصرف فرآورده های این گیاه ، مشابه سمومیت با Oxalis هاست و به

۱- اسکوزیل Escosyl واسکولوزید ، دوا فاکتور ویتامینی گروه p می باشند که به صورت ۲ ماده جداگانه ولی مجاور یکدیگر در Dorvault ذکر شده است در حالیکه در کتب علمی دیگر مانند سرک ایندکس سال ۱۹۷۶ ، هر دوی آنها ، به صورت نامهای مترادف اسکولین Esculine که از پوست و برگ شاه بلوط هندی استخراج می شود، وارد گردیده است. رجوع شود به صفحه ۲۰۰ جلد اول این کتاب در چاپ چهارم .

همان روش معالجه می شود.

**صورداروئی** - جوشانده یک قاشق سوپخوری از برگ گیاه در ۳ فنجان آب (مدت جوشیدن یک ربع) به مقدار یک فنجان در روز مشروط بر آنکه اولاً مقدار مذکور در طی چند دفعه صورت گیرد و ثانیاً نخستین آب در هنگام تهیه جوشانده، چون دارای مقدار زیادی اسید اکسالیک است، دور ریخته شود. جوشانده ریشه گیاه به مقدار ۰ گرم برای هر فنجان تهیه می گردد (Fournier) .  
**محل رویش** - باغهای اطراف تهران، مغرب ایران ، رزاق ، قصر شیرین در ارتفاعات ۱۶۰۰ متری، گیلان: منجیل.

### Rumex Acetosella L.

فرانسه : Sarcille ، Petit Oscille ، Oseille ، انگلیسی: Sheep's - Dock  
ایتالیائی: Acetosella ، آلمانی : Kleiner Ampfer عربی : حماض صغیر  
فارسی : **توشکک** (نام کلیه گونه ها)

گیاهی است پایا ، دارای ساقه منشعب به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر و به رنگ غالباً سبز مایل به قرمز که در زمینهای سیلیسی و مسه ای، اراضی متروک و توربزارها می روید. از مشخصات آن این است که پایه های آن، به صورت لکه های قرمز رنگی در محل رویش جلوه می کنند که از دور می توان پی بوجود آن در ناحیه ای برد. برگهای آن نسبتاً کوچک، باریک و کشیده، کمی تیر کمانی شکل و گل های آن به رنگ سبز یا مایل به قرمز و مجتمع به صورت دسته های فاصله دار یا کم فاصله است. علت پراکنندگی سریع آن در طبیعت نیز برای آن است که جوانه هائی بر روی ساقه زیر زمینی و خزنده آن ظاهر می شود که جابجا، موجبات پیدایش پایه های جدید را فراهم می آورد.

در اعضای این گیاه، مانند گیاه قبلی، اکسالات فراوان وجود دارد و با آنکه گیاه در زمینهای سیلیسی رشد می کند، معیناً مقدار مواد آهکی آن نسبتاً زیاد است.

خواص درمانی و اختصاصات دیگر آن شبیه گونه قبلی است. از برگ آن نیز در بعضی نواحی در تغذیه استفاده بعمل می آورند. در چمنزارها اگر گوسفندان به مقادیر زیاد از آن صرف نمایند، دچار حالت اسهالی می شوند که ممکن است خطرناک باشد و این حالت نیز به علت وجود زیاد اکسالات در گیاه، پیش می آید.

**محل رویش** - شمال غربی ایران، قره داغ (Fl. de l' Iran).

**Rumex sculatus L.** به صورت بوته های پر پشت ، به ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر در می آید. گیاهی علفی، چندساله و دارای ساقه های نسبتاً چوبی در قاعده است. بر روی دیوارهای-

کهنه، زمینهای سنگلاخی، گودالها و اماکن نظیر آن معمولاً یافت می‌شود. در منطقه وسیعی از مدیترانه و آسیا پراکنده‌گی دارد.

اختصاصات درمانی و مصارف آن شباهت به گونه‌های قبلی دارد.

**محل رویش** - نواحی مختلف البرز، شمال ایران، سازندگان پل زنگوله، دره چالوس، دره‌هراز، گیلان؛ کلشیم، اطراف لنگرود، آذربایجان؛ مشک‌عنبر، میانه، بین سلماس و ارومیه، کالیبار، کوه میشوداغ، کوه سه‌سند، قره‌داغ، کردستان؛ سنندج در ۱۸۰۰ متری، اصفهان، اطراف تهران، کوه توچال در ۲۲۰۰ - ۲۴۰۰ متری، قزوین، کرج، امام‌شهر و یسطام.

**R. obtusifolius L.**، برگهای بیضوی نوک‌تیز دارد و در دشت‌ها می‌روید. ریشه‌اش اشتهاآور، تصفیه‌کننده خون، مدر و کمی قابض است. از اختصاصات آن این است که ریشه‌اش آهن زمین را تغییر شکل می‌دهد و به صورت املاح آلی در سی‌آورد، از این جهت در زمین‌های دارای املاح آهن، می‌توان با پرورش این گیاه، مقدار املاح آلی آنرا به ۳ درصد رسانید. ضمناً این گیاه مقداری آهن نیز در خود ذخیره می‌کند.

**محل رویش** - اطراف تهران، دامنه‌های البرز، گچسار، کرج، نواحی شمالی و مرکزی ایران، قم و آذربایجان (۱).

**R. crispus L.**، گیاهی به ارتفاع ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر است. در کنار جاده‌ها، چمنزارها و اماکن سایه‌دار می‌روید. برگهای آن دارای پهنک سوجدار و گل‌های آن به رنگ مایل به سبز یا مایل به قرمز است. از ۶ کاسبرگ آن، ۳ کاسبرگ که به میوه چسبیده‌گی دارند، بیضوی و به شکل قلب وارونه‌اند. در ترکیب شیمیائی آن، مانند گیاه قبلی مقداری املاح آهن وجود دارد.

سابقاً از آن به علت دارا بودن املاح آهن برای رفع کم‌خونی دختران جوان و در کم‌خونی‌ها استفاده بعمل می‌آمده است. گرد ریشه‌اش به صورت کاشه‌های سحتوی ۵۰ تا ۷۰ گرم و به تعداد ۲ تا ۴ کاشه در روز با غذا مصرف می‌شده است. با مصرف آن تعداد گلبولهای قرمز و در نتیجه مقدار گلبول خون افزایش می‌یابد.

ریشه این گیاه اثر اشتهاآور، مدر و قابض نیز دارد.

**محل رویش** - نواحی مختلف البرز، سازندگان: جنگل کندوان در ۲۹۰۰ متری، کجور، گرگان؛ بندرگز، آذربایجان؛ میانه، اردبیل در ۱۷۰۰ متری، ارواک، کردستان، لرستان؛ درود،

۱ - در بعضی کتب علمی گیاهی، به جای گیاه مذکور، یک گونه فرعی از آن به نام subalpinus (Schur.) Celak و به جای R. pulcher یک گونه فرعی از آن به همان نام ذکر شده است (Fl. Iranica - No 56. 16 - 17).

Farzad F. et al.

خارون، ازنا (در ۱۸۰۰ متری)، کرمان؛ کوه لاله‌زار در ۳۰۰۰ متری، اطراف تهران، قزوین و کرج.

**R. pulcher L.**، گیاهی دوساله و دارای برگهایی با فرورفتگی محسوس در مجاور

قاعده پهنک است بطوری که از نظر کلی، ظاهری ویلون مانند به برگ می‌دهد. گل‌های آن به صورت دسته‌هایی فاصله‌دار، بر روی محور گل‌آذین ظاهر می‌شود.

از نظر درمانی ریشه‌اش اثر اشتهاآور، مدر و کمی قابض دارد.

این گیاه بیشتر در اطراف کرج، شمال غربی ایران، آستارا و جنوب غربی ایران یافت

می‌شود (فلور ایران).

**R. Abyssinica Jacq.** \* - گیاهی است که در حبشه پراکنده‌گی دارد و از آن بعلت

دارا بودن اسید کریزو فانیک بعنوان سسهل استفاده بعمل می‌آید.

### **Rumex Patientia L.**

فرانسه: Oseille épinard، Grande Parelle، Patience، Grande Patience

انگلیسی: Gemüsepflanzer، Englischer spinat؛ آلمانی: Spinach-dock، Patience

ایتالیائی: Pazienza، Romice domestica عربی: حماض البقر، حماض البر

گیاهی علفی، پایا و به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و حتی بیشتر است. برگهایی بسیار بزرگ، دراز قلبی‌شکل با کناره سوجدار و به رنگ سبز مایل به قرمز دارد. منشاء اصلی آن در جنوب شرقی اروپا و مغرب آسیا بوده ولی امروزه چون در بعضی نواحی پرورش می‌یابد، توسعه‌زیاد پیدانموده‌است. از اختصاصات آن این است که با پراکنده شدن میوه گیاه به اطراف محیط کشت، پیوسته پایه‌هایی از آن در حدود محیط‌های پرورشی بوجود می‌آید که خود وسعت انتشار آنرا تا رسیدن به نواحی مسکونی و کنار جریان‌های آب فراهم می‌سازد.

مشخصات گل و میوه گیاه، شبیه گیاهان قبلی است.

**ریشه**، برگ و میوه آن دارای مصارف دارویی است. ریشه آن به درازای ۲ تا ۴ سانتیمتر

و به قطر انگشت شست است ولی در بازگانی، به صورت قطعات کوچک در معرض استفاده قرار می‌گیرد. سطح خارجی قطعات آن رنگ خاکستری مایل به سیاه ولی قسمت داخلی آن، در صورتی

که ریشه تازه باشد، به رنگ زرد زیباست.

**ترکیبات شیمیائی** - ریشه آن دارای گلوکزیدهای آنتراکینونیک است. از تجزیه آنها،

اسید کریزوفانییک، فرانگولیو- اسودین واسید لاپاتیکیک ac. lapathique حاصل می‌شود. بعلاوه اصلاح مختلف، تانن و غیره نیز همراه دارد.

**خواص درمانی**- برگه‌های گیاه که مانند اسفناج به مصارف تغذیه می‌رسد و یا به حالت خام در سالاد مصرف می‌شود، اثر ملین ملایم دارد و اگر جویده شود لته‌دندان را در اطفال سفت می‌نماید. ریشه‌اش اثر مقوی و سلین دارد و از این جهت است که اثر آنرا شبیه رویارب ذکر می‌کنند (Fournier).

در زمانهای قدیم از جوشانده آن جهت رفع بیماریهای پوست استفاده بعمل می‌آمده است بعلاوه سابقاً در بیماریهای مختلف نیز مانند ضعف عمل دستگاه هضم، عدم ترشح کافی صفرا، رماتیسم سزمن، آب آوردن انساج، ورم احشاء ناشی از ابتلای به سالاریا و غیره به کار می‌رفته است. ریشه انواع وحشی این گیاه اثر قوی‌تر در رفع بیماریها دارد و چون قابض قوی است، در رفع اسهال‌ها و خونریزها مخصوصاً خونریزیهای رحمی، اخلاط خونی، بواسیر، ترشحات زنانگی و سرعت انزال، اثر درمانی ظاهر بی‌نماید.

در استعمال خارج، ریشه تازه وله شده آن اگر بر روی آبسه‌های سرد، اولسرها، آگزما، سواد، باد سرخ و غیره اثر داده شود، در بهبود آنها مؤثر واقع می‌گردد. له‌شده برگ گیاه نیز همین اثرات را در استعمال خارج دارد.

**صودراروئی** - جوشانده ۳۰ تا ۶ گرم ریشه یا سیوه گیاه در یک لیتر آب برای مصارف داخلی و استعمال خارج- شراب حاصل از ۶ گرم ریشه له‌شده گیاه با ۴ گرم ریشه شیرین بیان، ۲ گرم زنجبیل و ۶ گرم قند در یک لیتر شراب به مقدار ۱۰۰ گرم در صبح ناشتا و ادامه آن به مدت ۱۰ روز (این شراب از خیساندن سواد مذکور به مدت یک شب در شراب و جوشاندن آن به صورت ملایم به مدت یک ساعت و نیم، حاصل می‌شود)- شیره تازه برگ به مقدار ۳۰ تا ۱۰۰ گرم در روز- گرد ریشه به مقدار ۱ تا ۳ گرم به عنوان تصفیه کننده خون (مقدار بیش از ۳ گرم آن قوی‌آوری‌گرده)، مخلوط در عسل و یا به صورت کاشه.

**محل رویش** - نواحی شمالی ایران، گرگان: کوه شاهوار نزدیک حاجی‌لنگ در ۲۶۰ متری، مازندران: کجور، بین نمازیه و زانوس در ۱۸۰۰-۲۲۰۰ متری، گیلان: عمارلو، بین پاکده و کلیشم، آذربایجان: کوه سهند، نزدیک لبقوان در ۲۱۰۰ متری، ناحیه افشار، کردستان: اشتران کوه، اطراف تهران: دماوند در ۲۷۰۰ متری: امام‌شهر- بسطام و کوه‌شاهوار در ارتفاعات ۲۹۰۰ متری.

## Rumex alpinus L.

Lapathum alpinum Lam. ، Acetosa alpina Moench.

فرانسه : Rapontic - faux ، Rhubarbe - des - moines ، Rhubarbe - des - Alpes

انگلیسی: Monk's Rhubarb ، Bastard - Rhubarb ، Alpine - Rhubarb

آلمانی : Deutscher - Rhabarber ، Bergrhabarber ، Alpen Ampfer

ایتالیائی: Rabarbaro di montagna ، Rabarbaro falso ، Rabarbaro alpino

گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه ضخیم و شیاردار، به ارتفاع یک‌متر که در اروپا، ارتفاعات بین ۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متری آلپ، پیرنه و احتمالاً بطوری که در بعضی کتب علمی ذکر گردیده در مغرب ایران (قصر شیرین) می‌روید. در دامنه‌های مرطوب مخصوصاً در مراتع مورد استفاده دامها، به حد وفور یافت می‌شود. سابقاً مصرف زیاد در تغذیه مردم دورانهای قدیم داشته ولی امروزه اهمیت خود را از این نظر تقریباً از دست داده است. برگهای آن مانند گیاه قبلی، بسیار بزرگ است بطوری که به طول ۵۰ سانتیمتر و به پهنای ۲۰ سانتیمتر می‌رسد. دامها علاقه‌ای بخوردن آن ندارند.

برگ و ریشه آن به مصارف درمانی می‌رسد.

**ترکیبات شیمیائی** - در اعضای مختلف گیاه، ترکیباتی مانند تانن‌نوئیدهای آنتراسنیک T. anthracénique یافت می‌شود.

برگ آن دارای ۸۸ درصد آب، ۳ درصد سواد آلومینوئیدی، ۰٫۷ درصد سواد چرب، سلولز و غیره است.

**خواص درمانی**- برگ آن دارای مصارف تغذیه شبیه برگ اسفناج است بعلاوه به حالت خام در سالاد مصرف می‌شود. از دمبرگ آن نیز مانند مارچوبه استفاده می‌گردد. از نظر درمانی اگر له‌شده برگ‌های آن بر روی آماس و محل ملتهب و دردناک بدن اثر داده شود، ایجاد تسکین بی‌کند.

ریشه تازه آن اثر مسهلی دارد ولی بحالت خشک، قابض است. اطباء زمان قدیم مانند Roques (در سال ۱۸۳۷)، اثر درمانی آنرا مشابه رویارب دانسته و مصرف جوشانده ۳ تا ۶ گرم آنرا در نیم لیتر آب، که بر اثر جوشیدن به ۱/۳ تقلیل یابد، توصیه نموده‌اند مشروط بر آنکه به مقدار یک فنجان در هر دفعه و به دفعات در طول روز، مصرف گردد. با این روش بطوری که اظهار گردیده، توانسته‌اند در رفع بیماریهای سخاطی دستگاه هضم، انسداد احشاء وضعف عمل آنها، همچنین بیماریهای سزمن پوست و غیره نتیجه مطلوب به دست آورند.

در بعضی نواحی لیز به علت زیبایی خاصی که برگهای بزرگ و پهن گیاه دارد، اقدام به پرورش آن می‌گردد و در اساکن مرطوب باغها، کاشته می‌شود.

### *Rumex vesicarius* L.

فرانسه : Oscille d' Amerique : آلمانی : Amerikanischer sauerampfer

انگلیسی: Bladder - dock ، Sorrel ، ایتالیائی : Acetosa d' America

فارسی : قرشک - عربی : حنیبط (Hhanbit) ، حماض (Hhummâd)

گیاهی یکساله، به رنگ سبز روشن، دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۱۰-۳۰ سانتیمتر و منشعب به تقسیمات دوتائی است. برگهای بیضوی، تخم‌برگی با قاعده تقریباً قلبی شکل یا نیزه‌ای با ۲ زائده افقی در قاعده و منتهی به دمبرگ نسبتاً دراز دارد. ۳ تا ۵ رگبرگ مشخص نیز در سطح پهنک آن قابل تشخیص می‌باشد. گلهای آن به صورت خوشه‌هایی در مقابل برگها و در راس شاخه‌ها ظاهر می‌شود. میوه‌اش به قطر متجاوز از یک سانتیمتر و به رنگ سفید یا صورتی است. در ایران، هند، افغانستان و شمال افریقا پراکنده گی دارد.

**خواص درمانی** - قسمت‌های مختلف گیاه، طعم ترش و اثر بلین و مقوی معده دارد. در رفع یبوست، سسکه، نفخ و سوء هضم می‌تواند مؤثر واقع گردد. برگ آن اثر ملین دارد. برای دانه آن نیز همان اثرات مذکور را قائل اند. بوداده آن جهت رفع دیسانتری مصرف می‌شود.  
**محل رویش** - فارس: بین بوشهر و شیراز، دالکی، کازرون، کرمان: کوه سیدین، کوه - جبل بارز، جیرفت، لار، بندرعباس، حاجی آباد نزدیک طارم، بلوچستان: خاش، کوه کاروان در، بین خاش و ایرانشهر، تیس نزدیک چاه بهار، لوت: کوه شاهرگی در ۱۰۰۰ متری.

### *Polygonum Bistorta* L.

*Bistorta officinalis* Rafin. ، *B. major* S. F. Gray.

فرانسه : Serpentine ، Couleuvrée ، Feuillotte ، Renouée Bistorte ، Bistorte

انگلیسی: Adder - wort ، Snakeweed ، Dragonwort ، Serpentry ، Bistort

آلمانی : Otterwurz ، Drachenwurz ، Natterwurz ، Schlangen Knöterich

ایتالیائی: Polygonio ritroto ، Serpentina ، Bistorta

عربی: انجبار، انارف (Anarif)

فارسی : انجبار (۱)

گیاهی است پایا، به ارتفاع ۴ تا ۷۰ سانتیمتر و دارای ریزوم استوانه‌ای نسبتاً مسطح

۱- انجبار، نام عربی گیاه است که در کتب فارسی وارد شده است.

که در نواحی مرطوب، تورب‌زارها، مناطق باتلاقی و نقاط کوهستانی می‌روید. در قاره‌های اروپا، آسیا و آمریکا نیز پراکنده گی دارد. ساقه هوایی آن، حالت قائم و ظاهر خط دار و عاری از کرک



ش ۶۳ - *Polygonum Bistorta* : گیاه کامل گلدار (Bail.)



دارد. برگهای آن متناوب با کناره سوجدار و پهنک آن به رنگ سبز شفاف در سطح فوقانی ولی سبز مایل به سفید در سطح تحتانی است. از مشخصات برگهای آن این است که انواع واقع در قسمتهای پائین ساقه، بزرگ و نوک تیز و دارای دسبرگ دراز ولی انواع واقع در قسمتهای انتهائی ساقه، کوچکتر و بدون دسبرگ اند بطوری که قاعده پهنک، ساقه را فرا می گیرد.

گلهای آن که در فاصله ماههای اردیبهشت و تیر ظاهر می شود رنگ گلی دارد و به صورت سنبله انتهائی استوانه ای شکل مجتمع می گردد. در قاعده گلهای آن براکت های کوچک و شفاف و نوک تیز جای دارد. کاسه گل آن دارای ۵ دندانه نوک تیز مساوی و پرچم های آن به تعداد ۸ است. مادگی گلها دارای تخمدان سه گوش و خامه سه شاخه منتهی به برجستگی کوچک است. میوه اش فندقه، دارای ظاهر بیضوی، سه گوش، بی کرک، شفاف، پوشیده از کاسه گل و محتوی یک دانه می باشد.

گلهای آن چون نوش کافی فراهم می سازد از این جهت زنبور عسل به سمت گل آذین استوانه ای شکل گیاه جلب می گردد.

قسمت سورد استفاده این گیاه ریزوم آن است که بغلط ریشه خوانده می شود. در بارزگانی ریزوم گیاه به صورت قطعاتی به درازای ۳ تا ۸ سانتیمتر، به عرض ۱۵ میلیمتر و به ضخامت ۵ تا ۸ میلیمتر در معرض استفاده قرار می گیرد. رنگ این قطعات قهوه ای مایل به قرمز یا کم و بیش تیره - رنگ و پوشیده از ریشه های متعدد و طعم آنها قابض و فاقد بو می باشد.

**ترکیبات شیمیائی** - ریزوم انجبار دارای ۳ درصد آمیدون، ۱ درصد سوادآلبومینو - تیدی، اکسالات کلسیم، قندهای مختلف، مقدار بسیار جزئی از اکسی ستیل آنتراکینون، یک ماده رنگی به نام **قرمز انجبار** و مقدار نسبتاً زیادی تانن است. تانن آن طبق اندازه گیری های Wattiez (در سال ۱۹۲۰)، بین ۱۵ تا ۲۰ درصد در ریزوم خشک می باشد و مرکب از ۲ نوع، یکی شبیه تانن راتانیا و دیگری شبیه تورمانتی یو-تانن Tormentillo - tanin است (۱). ضمناً مقداری اسیدگالیک آزاد و تانن به حالت ترکیب با کاتشین (Catéchine)، به صورت پیروگالول Pyrogallol نیز در آن وجود دارد (Fournier).

**خواص درمانی** - تمام قسمتهای گیاه مخصوصاً ریشه آن، به علت دارا بودن تانن فراوان، اثر قابض قوی دارد. بعلاوه مقوی و التیام دهنده با اثر قاطع نیز می باشد. مقادیر کم آن بطوری که Cazim اظهار داشته، اختصاصاً بر روی معده اثر می کند در حالی که مقادیر زیاد آن بر روی تمام دستگای بدن مؤثر واقع می گردد. بعضی از اطباء قدیم معتقد بودند که اثر آن شبیه اثر

*Potentilla tormentilla* است. مصرف آن توسط عده ای از پزشکان جهت درمان اسهال، دیسانتری، رفع ترشحات مخاطی، ترشحات زنانگی، ورم مجرای بول پس از آنکه حالت التهابی آن رفع گردید، خونریزیهای ساده داخلی و خارجی، نزله های مزمن، بی اختیاری دفع ادرار، انزال - سنی، تب نوبه و حتی جلوگیری از سقط جنین توصیه شده است.

بطور خلاصه، انجبار بافتها و مخاطها را تقویت می کند و نوعی حالت فشردگی خاص بدانها می بخشد.

اهمیت درمانی انجبار از زمانی در طبابت مسلم گردید که پی به تأثیر تانن در درمان بیماران مسلول برده شد. انجبار با دارا بودن ۲ نوع تانن با ارزش، که هر دو با تانن های عادی متفاوت اند، اثرات مفید در درمان سل ظاهر می کند و به همین دلیل است که طبیب عالیقدر، Dr. H. Leclerc، مصرف شراب انجبار را برای مسلولین و افراد مستعد به سل، بسیار مفید دانسته آرا در طبابت های خود، مدتها مورد استفاده قرار می داده است.

در استعمال خارج نیز از انجبار، استفاده های درمانی متعدد بعمل می آید مانند آنکه جوشانده ریزوم آن به صورت غرغره در رفع زخم مخاط دهان و لثه ها، رفع درد گلو، آئزین، ورم - لوزتین و به صورت تزریق در دستگاه تناسلی، جهت رفع ترشحات زنانگی و همچنین رفع ورم مجاری ادرار، اثر شفا بخش ظاهر می کند. از جوشانده انجبار به صورت تخمیه جهت رفع اسهال، بواسیر، درمان خراشهای ناحیه مقعد و با تأثیر دادن بر روی زخمها و اولسرها جهت مداوای آنها نیز استفاده بعمل می آید.

از برگ انجبار، محلول های سفوح، مدر و مقوی تهیه می گردد که در بیماریهای التهابی همراه یاتب، اثر مفید ظاهر می کنند. له شده برگهای آن بر روی آبسه های سرد و تومورهای خنازیری جهت مداوا، تأثیر داده می شود.

**صورداروئی** - خیسانده ریشه گیاه در آب نیم گرم و یا جوشانده ۳ تا ۴ گرم آن در یک لیتر آب به مقدار ۲ فنجان در روز در فاصله غذاها (از محاسن خیسانده ریشه در آب نیم گرم آن است که این محلول به خلاف جوشانده، آمیدون را که به حالت ترکیب غیر محلول با تانن است رسوب نمی دهد) - گرد ریشه به مقدار ۲ تا ۱ گرم در روز به صورت حب یا مخلوط در شراب - شیره تازه گیاه به مقدار ۲ تا ۳ گرم، به حالت خالص یا مخلوط در عسل یا شراب برای رفع اسهال - تنطور ۲/۱ ریزوم انجبار با الکل ۹۰ درجه برای تهیه شربت های مقوی و یا استفاده از آن برای تهیه لوسیون های التیام دهنده زخم و جراحات.

در صراف داخلی می توان جنتیانانین به عنوان مقوی تلخ و تب بر به انجبار افزود.

از انجبار طبق فرسول Dr. H. Leclerc ، می توان نوعی شراب سفید برای سسلولین به شرح زیر تهیه نمود:

۱۰ گرم ریشه نیکوب انجبار را در ۲۰۰ گرم الکل ۴۰ درجه به مدت ۲۴ ساعت می خیسانند سپس شراب قرمز برود، به اندازه ای می افزایند که مجموعاً، مخلوط آنها به یک لیتر برسد. بعداً آنرا به همین حالت به مدت ۴ روز باقی می گذارند تا ساده مؤثر ریشه به خوبی در شراب وارد گردد. مقدار مصرف این شراب پس از صاف کردن ۱۰ تا ۱۵ گرم در روز یا یک لیوان محتوی ۷۵ سانتیمتر مکعب قبل از غذای نهار و شام است.

از مصارف دیگر انجبار آن است که برگهای جوان آن مانند اسفناج می تواند به مصارف تغذیه برسد. از پوست ریزوم آن، رنگ قهوه ای- بلوطی می توان تهیه نمود و بیسموت را به عنوان دندانده آن به کار برد.

#### ناسازگاری - اسلح آهن، استیک.

محل رویش - نواحی غربی ایران، آذربایجان: کوه سهند، همدان، تخت سلیمان، بین همدان و تبریز، حیدره در ۲۲۰۰ متری، لرستان: اشتران کوه.

#### *Polygonum aviculare* L.

*P. heterophyllum* Lindl. ، *P. erectum* L.

فرانسه : Trainasse ، Tirasse ، Corrigole ، Renouée des oiseaux ، Renouée  
انگلیسی : Pig - grass ، Centinody ، Bird's - Knotgrass ، Knot - grass ، Blood - wort  
آلمانی : Wegetritt ، Vogelknöterich ، ایتالیائی : Centinodia عربی: طرنه (Turnah)  
فارسی : علف هفت بند

گیاهی است یکساله، مقاوم و دارای ساقه خوابیده باریک و منشعب، به طول ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر که در غالب نواحی اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا می روید. مقاومت آن به اندازه ای است که اگر در محلهای عبور و سرور، پیوسته نگهدار شود، باز هم به مرحله گل دادن می رسد و از بین نمی رود. در غالب محیطها نیز مانند چمنزارها، کنار جاده ها بین تخته سنگها، حاشیه گودالها، اماکن سایه دار، زمینهای بایر، سزارع و غیره بدان برخورد می شود. برگهای آن کوچک، باریک نوک تیز و استیبول آن دارای ظاهری نازک و سفیدرنگ است. گلهای ریز و کوچک آن که فاقد بو و نوش است، به رنگ صورتی در ستن مایل به سبز جلوه می کند. زنبور عسل به علت کوچک بودن گل و فاقد بودن آنها از نوش، به سمت این گیاه جلب نمی شود. قسمت سورد استفاده این گیاه کلیه اندامهای آن است.

**ترکیبات شیمیائی** - در اعضای مختلف این گیاه، ترکیباتی نظیر سوادرینی، سوم، سواد-تندی، موسیلاژ، اسید اکسالیکیک، اسانس به مقدار کم، سیلیسی، گلوکوتان نوئیدهای اکسی-متیل آنتراکینون (Gl. oxyméthylanthraquinone) به حالت آزاد یا ترکیب یافت می شود.

**تاریخچه** - دیوسکورید در قرن اول میلادی، این گیاه را تحت نام **علف هفت بند** در *(Polygonum mâle)* در رفع اخلاط خونی، خونریزها، اسهال و بی اختیاری دفع ادرار مؤثر می دانسته است. پلین، در زمان خود اعلام داشت که بالا کشیدن شیره علف هفت بند از راه بینی، موجب بند آمدن خون در سوارد خون دماغ می گردد و اگر از مخلوط آن با شراب استفاده شود، از همه خونریزها جلوگیری خواهد نمود. بردمان قرون وسطی، برای آن اثر رفع استفراغ های خونی قائل بوده اند. اینگونه مداواها تا اوایل قرن هیجدهم بین مردم رواج داشت ولی از این زمان به بعد، استفاده آن تدریجاً متروک و مجدداً در ۱۸۴۰ مورد توجه عده ای از دانشمندان و اطباء واقع شد. در این زمان، از آن به عنوان یک داروی قابض با اثر قطعی استفاده بعمل می آمده و تدریجاً برای رفع بیماری قند نیز طبق تشخیص اطباء، بکار می رفته است (F. Daels).

**خواص درسانی** - علف هفت بند اثر قابض قوی، مدرو التیام دهنده دارد. جوشانده آن جهت رفع اسهال و دیسانتری به کار می رود و حتی در اسهالهایی که با مصرف داروهای قابض دیگر، نتیجه گرفته نمی شود، از آن غالباً نتایج مثبت به دست می آید. عده ای از پزشکان قدیم آنرا در رفع ورم روده بزرگ، حتی در سواردی که با خونریزی نیز همراه باشد و همچنین در رفع ترشحات سهیلی مؤثر ذکر نموده اند. طبای جدید کمتر از نظر بند آوردن خون، به این گیاه توجه می نمایند در حالی که اثر آن در رفع خود دماغ، لاقط مؤثر است. در طب عوام هنوز هم، مخلوط شیره این گیاه را در عسل یا شراب، جهت رفع اخلاط خونی و درمان آن مؤثر می دانند و حتی یکی از دانشمندان به نام Kneipp، جوشانده علف هفت بند را در رفع خونریزهای رحمی مؤثر ذکر نموده است.

در آلمان، فرآورده های مختلفی از آن، تحت نامهای متفاوت در اختیار مردم قرار داده می شد مانند آنکه برگ آن به عنوان داروی واقعی درمان سل، برونشیت و آسم به مردم عرضه می گردید. در این مورد باید گفت که اگر این تبلیغات دانه دار به منظور سودجویی و معرفی اغراق آمیز علف هفت بند تصور رود، تأیید اطباء را که علف هفت بند، به علت دارا بودن تانن فعال، یک داروی مؤثر و کمی جهت مداوای سسلولین می باشد، نمی توان منکر شد.

Dr. H. Leclerc ، چون با مصرف علف هفت بند، نتایج سفید در مداوای سسلولین به دست می آورد، مصرف آنرا در طبابت، عمومیت می داد زیرا با مصرف فرآورده های این گیاه، حالت

عمومی سسلولین بهبود می‌یابد، عرق مغزط بیمار کاهش حاصل می‌کند، عمل دستگاه هضم منظم می‌گردد و ضمن کم شدن اخلاط، وزن بیمار به میزان قبلی می‌رسد و بیمار روحاً تقویت می‌شود. در مورد اثر درمانی علف هفت‌بند حتی عقیده بعضی اطباء بر این است که نفرت‌های منشاء باسیلی باعصاره این گیاه درمان می‌پذیرد.

قدما برای آن اثر درمان بیماری قند قائل بودند و حتی در آثار آنها چنین آمده است که نتایج مطلوب از آن در این مورد به دست می‌آورده‌اند. Dr. H. Leclerc با بررسی‌های خود باین نتیجه رسید که با مصرف آن، مقدار درصد قند در ادرار بیماران مبتلا به مرض قند، کاهش کلی حاصل می‌کند. ضمناً اثر التیام‌دهنده گیاه نیز توسط این دانشمندان تأیید گردید.

علف هفت‌بند دارای خاصیت مدر است و مقادیر کم آن اثر قطعی در رفع سنگ کلیه، قولنج‌های نفرتی و ناراحتی‌های مثانه دارد. دانه‌اش قوی‌آور و سهیل است.

علف هفت‌بند در استعمال خارج، اثر التیام‌دهنده قوی دارد و اگر بر روی زخم و جراحات قرار گیرد، سریعاً آنها را بهبود می‌بخشد. شیره رقیق شده آن، التهاب و ورم را از بین می‌برد.

**صودر داروئی** - جوشانده ۲ تا ۳ گرم برگ یا گیاه کامل ریشه‌دار در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز - جوشانده حاصل از جوشاندن ۶ گرم ریشه گیاه در یک لیتر آب و افزودن ۲۰ گرم برگ تنوع سبز تازه به آن، در موقعی که محلول بر اثر جوشیدن به نصف تقلیل یافت، به منظور دم کردن مخلوط به مدت ۲ دقیقه (Dr. H. Leclerc) - شراب حاصل از جوشاندن ۲۵ تا ۴۰ گرم گیاه در یک لیتر شراب به مقدار ۳ لیوان ۷۵ سانتیمتر مکعبی در روز - جوشانده ۲۵ تا ۳۰ گرم گیاه مخلوط با هموزنش پیرک و بویون بلان یا دانه کتان در یک لیتر آب جهت تنقیه - الکل‌تور حاصل از خیساندن یک قسمت گیاه به مدت چند روز در ۱۰ قسمت عرق ۵ تا ۱۰ درجه (قابل نگهداری است).

**سحل رویش** - این گیاه در اطراف تهران: محمودیه در ۱۲۵ متری، کرج، قلهک، گرگان: بندرگز، گیلان: تنکابن، آذربایجان: تبریز، خوی همدان: کوه‌گردو، اصفهان: لالون، بختیاری: دره بازوفت: خوزستان: مسیر کارون، بلوچستان: زاهدان در ۱۳۰ متری، خراسان: شوکت‌آباد در نزدیکی بیرجند در ارتفاعات ۱۴۰ متری، بین بیرجند و تربت حیدریه، قزوین، سمنان - داسغان و جندق می‌روید.

## Polygonum Hydropiper L.

Polygonum acre Lam. ، P. glandulosum Poir.

فرانسه : Curage ، Piment aquatique ، Persicaire brulante ، Poivre d' eau

انگلیسی: Smart - weed ، Biting persicaria ، Pepper plant ، Water pepper

آلمانی : Brennedör Knöt. ، Bitter Knötrich Pfefferknötrich ، Wasserpfeffer

ایتالیائی: Cuociculo ، Erba - pepe ، P. del pouero ، P. d'asino ، Pepe d' aqua

عربی : فلفل الماء ، زنجبیل الکلاب

گیاهی علفی، یکساله، دارای ریشه راست و ساقه‌ای به ارتفاع ۱ تا ۱٫۵ سانتیمتر است. در اماکن مرطوب غالب نواحی اروپا، شمال و مغرب آسیا، شمال آفریقا و اسرکیای شمالی بطور فراوان می‌روید. از مشخصات آن این است که برگ‌هایی باطعم تند شبیه فلفل دارد. برگ‌های آن دراز، شفاف و دارای پهنک بیضوی دراز، نوک‌تیز و یا کناره موجدار است. پهنک آن تدریجاً تا رسیدن به دم‌برگ، باریک می‌گردد بطوری که در ناحیه رأس وقاعده برگ، باریک و کشیده جلوه می‌نماید. غلاف برگ‌ها در محل اتصال برگ به ساقه، زوائد نازک و باریک نشان می‌دهد. گل‌های آن دارای پوششی به رنگ سفید مایل به سبز یا گلی و پوشیده از غده‌های کوچک، به رنگ مایل به زرد و شفاف می‌باشد و مجموعاً نیز به صورت گل‌آذین سنبله باریک و کم‌گل، در طول محوری باریک ظاهر می‌گردد. از مشخصات این گیاه که در تشخیص آن از گونه‌های مجاور کمک می‌کند آن است که محور گل‌آذین آن دارای حالت خمیده و نیمه آویخته است. در داخل پوشش گل آن، ۶ پرچم به جای ۸ پرچم دیده می‌شود که در حول مادگی منتهی به ۲ یا ۳ خاصه جای دارند. میوه‌اش به رنگ سبز مات است و بر روی آن، نقاط ریز تشخیص داده می‌شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و یا کلیه اندام‌های آن است.

**ترکیبات شیمیائی** - در اعضای مختلف این گیاه، یک ماده بندآورنده خون که حالت گلوکزیدی دارد توسط A. Steinberg در سال ۱۹۳۹ به دست آمد. علاوه بر آن، ترکیبات دیگری نظیر یک ماده تلخ و غیر محلول در آب، یک الکتالوئید بدون اثر درمانی، اسیدهای - آلی مختلف مانند اسید فرمیک، مالیک، والرینیک، استیک، ملیسمیک ac. melissique، گالیک و همچنین تانن، نیترات پتاسیم، فیتوسترین، گلوکز، فروکتوز، اسانس و در ریشه گیاه یک اکسی-ستیل آنتراکینون نیز یافت می‌شود.

**تاریخچه** - احتمال می‌رود که مردمان ماقبل تاریخ از آن به عنوان چاشنی اغذیه استفاده بعمل می‌آورده‌اند. دیوسکورید در قرن اول میلادی، ریشه‌اش را عاری از هرگونه اثر درمانی

ولی گرد برگ آنرا قابل استفاده در اغذیه ذکر کرده است. برای برگهای تازه و دانه آن نیز اثر رفع خون سردگیاها و آسای های مقاوم، به صورت قرار دادن بر روی عضو، قائل بوده است. جالینوس - حکیم در قرن دوم، نظیر اختصاصات سزبور را برای این گیاه قائل بود. در قرون وسطی توجهی زیادتر از آنچه که ذکر شد به این گیاه نگردید فقط بعضی از محققین مانند Paracels آنرا در درمان سیفیلیس مفید می دانسته اند. در سال ۱۸۵۸ و بعد از آن، دانشمندان مختلف مخصوصاً از کشور روسیه، ترکیب شیمیائی و تأثیر گیاه را در درمان بیماریا بررسی نموده موارد عدیده درمانی در آن جستجو نمودند.

**خواص درمانی** - بررسی های عدیده دانشمندان مختلف نشان داد که این گیاه دارای اثر بندآورنده خون است بعلاوه خاصیت سدر، نیرو دهنده، التیام دهنده و قرمز کننده پوست بدن دارد. برای آن اثر سمی نیز قائل می باشند.

باسم صرف ۳ تا ۴ قطره عصاره این گیاه (۳ مرتبه در روز) نتایج بسیار مفید در رفع اخلاط خونی، خونروییهای معدی، بواسیر، مخصوصاً خونروییهای رحمی و همچنین خونروییهای ناشی از وجود فیبروم، به دست آمده است (N. Krawkow). بنظر این دانشمند، تانن موجود در عصاره گیاه، عامل جلوگیری کننده از خونروییها نیست بلکه عصاره گیاه به علت تأثیر در حالت چسبندگی و انعقاد خون، سوجبات این درمان را فراهم می آورد. A. Kaminskaja در سال ۱۹۱۴ توانست با مصرف آن، نتایج سریع در جلوگیری از خونروییهای نامنظم زنان یائسگی، فیبروم و غیره به دست آورد. دانشمندان دیگر عموماً به این نتیجه رسیدند که مصرف آن نه تنها خونروییها را بند می آورد بلکه درد و ناراحتی را نیز آرام می کند از این نظر متفقاً، مصرف آنرا به به جای Hydrastis توصیه نمودند.

Dr. H. Leclerc نیز اثر بندآورنده خون را در گیاه تأیید کرد ولی آنرا به علت تنگ - شدن مجاری عروق دانست. این دانشمند، نتایج مفیدی از آن در رفع بواسیر، واریس و غیره به دست آورد.

در بعضی نواحی از آن به علت دارا بودن اثر سدر، در مواردی که کلیه، دارای حالت التهاب و ورم نباشد، استفاده می نمایند مانند آنکه مصرف آنرا در موارد آب آوردن انساج، استسقاء، خیز اندامها، زردی، رماتیسم، نقرس و غیره توصیه می نمایند.

باید توجه داشت که اگر شیره این گیاه مورد مصرف قرار گیرد، چون تند و تحریک کننده است، باید به مقدار کم و درمانی به کار رود تا هیچ گونه التهاب و ناراحتی در دستگاه هضم بوجود نیاید و موجب پیدایش خون در ادراک نگردد.

در استعمال خارج، ضماد برگهای تازه وله شده آن اگر بر روی عضو اثر داده شود مانند شمع خردل، اثر قرمز کننده پوست بدن ظاهر می کند و اگر بر روی اولسرها قرار گیرد، درد را تسکین می دهد ولی نباید از آن در مداوای زخم های باز استفاده شود زیرا موجب تحریک و ناراحتی می گردد. به علت دارا بودن اثر قرمز کننده پوست بدن نیز می توان از آن در رفع دردهای عصبی، رماتیسمی و درد کمر استفاده کرد. جوشانده غلیظ آن در آب، می تواند به صورت غرغره، اثر بسیار خوب در رفع آفت (Aphtes)، آئزین، زخم سجرای بینی و غیره نتایج شفاف بخش بدهد. اگر پنبه آلوده به شیره گیاه در حفره دندان قرار گیرد، در دندان را در مراحل پیش نرفته، تسکین می دهد و عقیده کلی مردم نیز بر این است که برگهای پخته شده حتی اگر از خارج بر روی گونه گذاشته شود، همین اثر مسکن را ظاهر می سازد.

**صورت دارویی** - دم کرده ۵ تا ۱۰ گرم گیاه در یک لیتر آب به عنوان بند آورنده خون - گرد برگ به مقدار ۱ تا ۲ گرم به صورت مخلوط در غسل (فرآورده های غیر الکلی اثر تحریک کننده کمتر دارند) - عصاره روان به مقدار ۳ تا ۴ قطره، ۳ مرتبه در روز (یا ۱ تا ۳ گرم) - عصاره آبی به مقدار ۰.۶ تا ۲ گرم در روز، مخلوط در یک مشروب ساده و سرفح - جوشانده ۱۰ تا ۳ گرم گیاه در یک لیتر آب یا شراب به منظور تهیه لوسیون یا ضماد گرم در استعمال خارج.

**محل رویش** - نواحی شمالی ایران، گیلان، اطراف رشت، بندرگز و نواحی جنوب غربی ایران (فلور ایران).

در بعضی کتب از گیاه مذکور، یک گونه فرعی به نام subsp. Hydropiper در نواحی مشابه نوع اصلی در ایران ذکر شده است.

### **Polygonum amphibium L.**

فرانسه: Persicaire amphibie انگلیسی: Knot - Weed، Amphibious persicaria  
آلمانی: Flöhkraut، Wasserknöterich ایتالیائی: Persicaria amphibia  
عربی: عصبی الراعی

گیاهی علفی ولی چندساله است. در استخرهای طبیعی و آبهای را کد می روید. ساقه آن به ارتفاع ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر می رسد. گل های کوچک و گلی رنگ آن، بوی نسبتاً ملایم می دهد. از نظر درمانی، ریشه اش طبق تشخیص اطباء قدیم، اثر تصفیه کننده خون، معرق، قابض و التیام دهنده زخم، ظاهر می نماید. کلیه قسمتهای گیاه اثر مدر دارد و در رفع سنگ کلیه مفید واقع می گردد. از مشخصات این گیاه آن است که اگر آب محل رویش گیاه تدریجاً خشک شود، شکل ظاهری آن نیز بطور محسوس تغییر پیدا می کند بطوری که تدریجاً شبیه گونه دیگری به نام

*P. persicaria* می‌گردد.

این گیاه در لرستان: در بند در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرقی خرم‌آباد در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری، آذربایجان: نزدیک سراغه. اراک: کوه کهرود، فارس: دشت ارژن می‌روید.

**P. Persicaria L.** - گیاهی است یکساله و به ارتفاع ۳ تا ۴ سانتیمتر که در اسکن سرطوب، کنار استخرهای طبیعی و حاشیه‌گودال‌های روید. گل‌های فاقد بویلی به رنگ گلی یاسفید مایل به سبز دارد. دارای اثر قابض، التیام‌دهنده و مقوی است. مصرف آن در رفع خونروپها، اختلاط‌خونی، خونروی در فواصل قاعدگی، رفع ترشحات زنانگی، وجود خون در ادرار، نفرس و رسائیسیم توصیه شده است. شیره یا جوشانده آن اثر قطعی در رفع زخم‌های غانقرایی دارد. از ریشه آن نوعی ساده رنگی زرد مایل به قرمز تهیه می‌شود.

این گیاه در اطراف تهران، کرج، ری، شمال ایران، مازندران: تمیشان، نوشهر، بین - عباس آباد و قائم‌شهر، گیلان: راه لاهیجان، اطراف رودبار، آذربایجان: ارومیه: کردستان: سنندج در ۲۱۰۰ متری، کرمانشاه: در ۱۰۲ کیلومتری طاق بستان، لرستان: بروجدرد، اصفهان: ۶ کیلومتری سقاهان، خوزستان: آب شور نزدیک شوش، خراسان: بین شیروان و بجنورد (احمد ماهوان)، قزوین، اسام‌شهر و بسطام می‌روید.

### **Polygonum lapathifolium L.**

*P. nodosum Pers.* ، *P. obtusatum Steud.*

فرانسه: Renouée à feuilles de patience انگلیسی: Willow weed، Pale persicaria

آلمانی: Filzknöterich ، Ampferknöterich ایتالیایی: Erba pepe ، Persicaria

عربی: غدار (Qhadâr)

گیاهی است علفی که ساق‌های به ارتفاع ۳ تا ۸ سانتیمتر به رنگ سفید مایل به سبز یا مایل به قرمز دارد و خواصش شبیه‌گونه قبلی است. این گیاه در نواحی غربی ایران، اراک، کوه چهارخاتون، آذربایجان قره‌داغ و حسن بگلو وجود دارد (فلور ایران).

این گیاه در بعضی کتب علمی، به صورت یک‌گونه فرعی از گیاه مذکور و بهمان نام در ایران ذکر شده است.

**P. mite Schrank.** ، برگ‌های باریک و نوک‌تیز و گل‌هایی به رنگ صورتی یاسفید دارد.

در نواحی مختلف شمال ایران، گرگان: بندرگز، مازندران، نوشهر، گیلان: اطراف رشت، قزوین و کرج می‌روید. به عنوان التیام‌دهنده زخم‌ها از آن استفاده به عمل می‌آید.



ش ۶۴ - *Polygonum mite* Schrank - ۱. شاخه گلدار (انداز طبیعی) ۲ - گل آذین

۳ - گل - ۴ - دیاگرام

*P. dumetorum* L. گیاهی یکساله و دارای گل‌های به رنگ مایل به سبز یا سفید صورتی است. کلیه قسمت‌های گیاه مخصوصاً برگ آن اثر سهیلی، مانند برگچه سنا و پوست بوردن دارد. در ترکیب شیمیائی آن، تانن و آنترآگلوکزیدها وجود دارد.

در غالب نواحی اروپا مخصوصاً در حاشیه بیشه‌ها و حدود خارجی مزارع می‌روید. پراکنندگی آن در ایران به صورتی است که در نواحی شمالی ایران مانند گیلان، اطراف رشت: گرگان: مینودشت (احمد ماهوان)، خراسان و شیراز دیده می‌شود.

*P. glabrum* Willd. \* - گیاهی است علفی که در هند می‌روید و ارتفاع آن حداکثر به ۱ متر می‌رسد. برگ، ریشه و گاهی کلیه قسمت‌های گیاه به مصارف در سانی می‌رسند. مانند آنکه از دم کرده برگ‌های آن در نواحی محل رویش جهت رفع ناراحتی‌های هضمی و رفع دل‌پیچه استفاده می‌شود. ریشه آن به مصرف درمان بواسیر می‌رسد.

*P. tinctorium* Ait. \* گیاهی علفی است و از برگ‌های آن در چین نوعی ماده رنگی شبیه نیل استخراج می‌شود.

*P. cuspidatum* Sieb. \* این گیاه در مجمع‌الجزایر ژاپن می‌روید و گل‌های سفید رنگ و مجتمع به صورت خوشه‌های کم‌گل دارد. اعضای مختلف آن دارای نوعی گلوکزید آسودین با اثر ملین است. این گیاه به علت ساقه دراز و برگ و گل‌های زیبایی که دارد پرورش می‌یابد. در ریشه تازه این گیاه، گلوکزیدی به نام پولیداتین polydatine یافت می‌شود.

**پولیداتین** Polydatine (پیسه‌نید Piccid)، گلوکزیدی به فرمول  $C_{14}H_{22}O_8$  و به وزن-سلکولی ۳۹۰.۴۰ است. از ریشه گیاه مذکور یعنی *Polygonum cuspidatum* توسط Nonomura و همکارانش استخراج و فرمول نسبت آن تعیین شده است (۱).

پولیداتین، با ۳ سلکول آب متبلور می‌شود. در گرمای ۲۲۰-۲۲۶ درجه ذوب می‌گردد.

*P. affino* D. Don. \* ، در هند می‌روید و از کلیه قسمت‌های گیاه جهت پائین

آوردن فشار خون استفاده بعمل می‌آید.

*P. punctatum* Ham. \* ، در نواحی مختلف هند می‌روید و اثر مدر و پائین آورنده

فشار خون دارد (۲).

*P. pensylvanicum* L. \* ، گیاهی یکساله،

دارای ساقه راست به ارتفاع متجاوز از یک متر و به حالت مستشعب است. در آمریکا مانند کارولینا،

1 - Nonomura et al., Yokugaku, Zasshi, 83, 988 (1963).

2 - Medicinal plants of India, Vol. II. G. V. Satyavati, 1987.

فلوریدا تا تگزاس می‌روید. برگ‌های آن نوک‌تیز، بطول و عرض ۳ سانتیمتر است. گل‌های کوچک ه قسمتی و به رنگ روشن یا صورتی و گاهی سفید دارد. در اراضی مرطوب کنار جاده‌ها پراکنده است. ریشه‌اش تانن زیاد دارد و از اعضای مختلف آن بعنوان قابض و نیرو دهنده استفاده بعمل می‌آید.

### \* *Fagopyrum esculentum* Moench.

*Polygonum fagopyrum* L. ، *P. macropterum* Hort. ex. Meassn.

فرانسه : Sarrasin انگلیسی: Buckwheat آلمانی: Schwarzen - korn، Buchweizen

ایتالیائی: Fagopiro ، Grano nero Saraceno عربی : حنطه سوداء ، قمح البقر

گیاهی علفی ، یکساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۷۰ سانتیمتر است. برگ‌های تیرکمانی، نوک‌تیز و گل‌های صورتی بابوی ملایم دارد. گل‌های آن به علت نوش فراوانی که دارد مورد توجه زنبور عسل است. عسل آن، بوی قوی دارد. دانه‌اش دارای مواد نشاسته‌ای فراوان در حدود ۵۰ درصد، ۲۶ درصد مواد چرب و ویتامین‌های فراوان B و P است.

به علت دارا بودن مقدار زیاد مواد نشاسته‌ای، سابقاً به مصارف تغذیه می‌رسیده است. از نظر در سانی، نه تنها غذای سهل‌الهضم به حساب می‌آید ، بلکه مصرف آن طبق تشخیص اطباء قدیم، برای مبتلایان به ورم روده، خستگی‌های روحی و برای زنان باردار سفید توصیه شده است.

در ایران نمی‌روید ولی در نواحی مرکزی آسیا و در اروپا پراکنندگی دارد.

*Coccoloba uvifera* L. \* درختچه کوچکی با چوب بسیار سخت است. در پلاژهای

ماسه‌ای امریکای جنوبی می‌روید. بر اثر ایجاد شکاف در پوست درختچه و یا جوشاندن پوست آن و تخییر محلول حاصل، عصاره‌ای به رنگ قرمز به دست می‌آید که به نام **کینوی ژامائیک** Kino de la Jamaïque موسوم می‌باشد. سیوه‌اش طعم ترش دارد و خوراکی است. به عنوان مفرح و رفع دیسانتری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

*Atraphaxis spinosa* L. ، گیاهی بوته مانند، دارای ساقه‌های چوبی و مخصوص

مناطق بایر یا نیمه بایر ایران است. در منطقه وسیعی از ایران مانند گرگان: مازندران: بین‌آمل و زردسن، دره‌هراز، گیلان: رودبار، کلیشم (Klichom) ، آذربایجان: قره‌داغ، میانه، خوی، کرمانشاه، همدان، شیراز: دشت ارژن، خراسان: بین قائن و تنکن، کپه‌داغ در بالای قوچان، گلستان، بین جنگل علم‌علی و الله‌اکبر در... ستری، کوه‌نیشابور، دره‌اخلمد، اطراف تهران، حاشیه حبله‌رود، قزوین، قم، یزد و مناطق نیمه‌کویری می‌روید و از آن، نوعی سان تهیه می‌گردد که

شیرخشمت نامیده می‌شود (شیلمر) ولی این ماده طبق بررسی های Haussknecht ، از گیاهی از تیره گل سرخ به نام *Cotoneaster nummularia* F. M. به دست می‌آید . شیرخشمت ، اثر ملین و مسهلی ملایم دارد و با آنکه به کندی عمل می‌کند معهذاً بعداً هیچ گونه تحریک و یا بیوست



ش ۶۵ - *F. esculentum* : ۱ و ۲ - دو قسمت از گیاه گلدار سه گل - ع - سادگی  
۳ و ۴ - بیوه و برش طولی آن

ایجاد نمی‌نماید. فقط از معایب آن این است که اشتها را کم می‌کند. مصرف آن بیشتر برای کودکان در بیماری سرخک و در مرحله نقاهت است. در پرونیت سزمن اثر مفید ظاهری کند

و در حصبه نیز مصرف می‌گردد. مقدار مصرف آن، ۱ تا ۲ گرم و حتی بیشتر برحسب سن بیمار می‌باشد.

گیاهان دارویی و غیرهم این تیره که در نواحی مختلف به مصارف درمانی می‌رسند به شرح زیراند:

۱- *Eriogonum alatum* Tor. \* ، گیاهی است که در امریکای مرکزی مانند مکزیک می‌روید و ریشه آن اثر مسهلی در مصارف درمانی دارد.

۲- *Securidaca longepedunculata* Fres \* - گیاهی است که در سیرالئون می‌روید و برگهای آن بعنوان پادزهر سم مار مصرف می‌شود.

## تیره لاله عباسی Nyctaginaceae

گیاهانی به صورت مختلف علفی یا بوته‌های چوبی، درخت و گاهی بالارونده و دارای ۳۰ گونه‌اند که در ۳ جنس جای داده شده‌اند. بیشتر در نواحی حاره می‌رویند. فراوانی آنها در قاره امریکاست ولی معدودی از آنها در سایر نواحی یافت می‌شود. برگهایی متقابل و گلهائی نر - ماده یا دارای یکی از اجزای اصلی گل (بر اثر عدم رشد پرچم یا مادگی در گلهای نر - ماده) و معمولاً مجتمع به صورت گزن دارند. براکته‌های رنگین و گلبرگ مانندی نیز به صورت انولوکر، گلهای را احاطه می‌نماید. پوشش گل آنها ساده، نوله‌ای شکل و شامل ۲ کاسبرگ رنگین و پیوسته بهم است. تعداد ۲ پرچم یا زیادتر، به حالت آزاد یا پیوسته بهم در قاعده دارند که غالباً به طول ناساوی می‌باشند بطوری که این صفت در بیشترین گیاهان، عمومیت دارد. تخمدان آنها یک خانه و بیوه آنها به صورت فندقه و محصور در براکته‌ها و پوشش گل است.

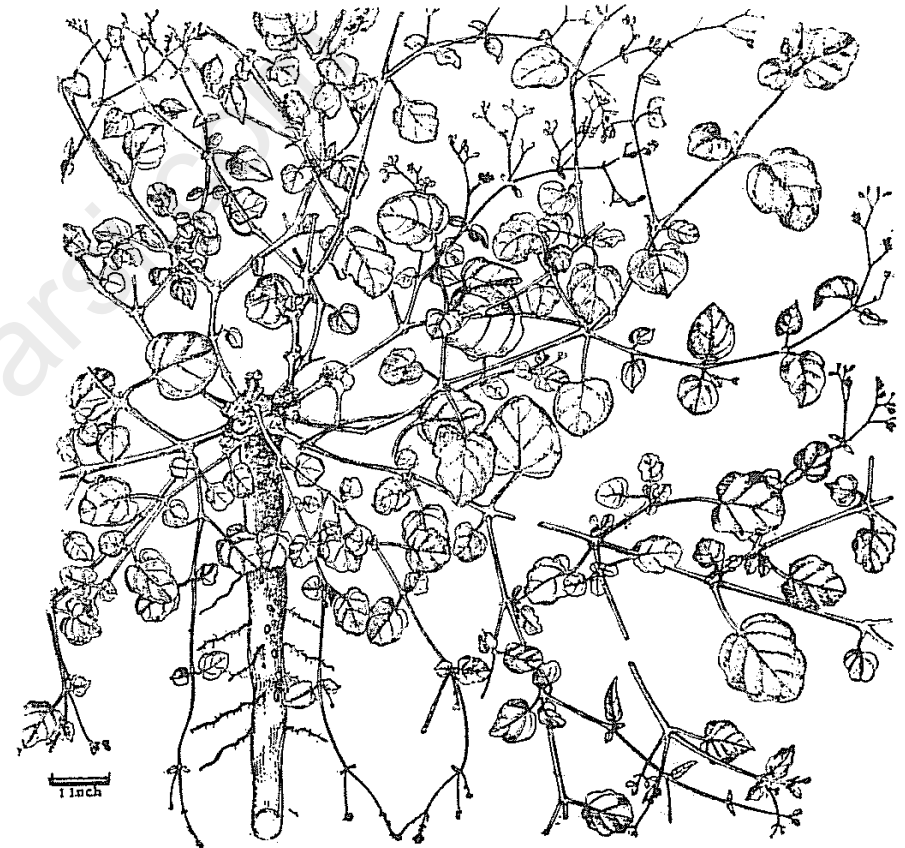
از جنس‌های مهم آنها، *Mirabilis* (دارای ۶۰ گونه)، *Abronia* (حدود ۲ گونه) و *Bougainvillea* (حدود ۱ گونه) را نام می‌بریم.

### *Boerhavia diffusa* L.

*B. repens* L. ، *B. sessiliflora* Steud.

انگلیسی: Pigweed ، Hogweed ، هندی: Sant ، Thirki ، عربی: هند کومی (Handkūki) گیاهی علفی، چندساله، دارای ریشه بزرگ دوکی شکل و ساقه‌های متعدد و منشعب از

ناحیه یقه، به طول ۳-۹ ر. تا ۱۰ ر. متر است. از مشخصات آن این است که ساقه های باریک آن، رنگ غالباً مایل به ارغوانی و حالت متورم در محل گره ها دارد. برگهای آن تخم برگی یا کشیده با کناره ناهموار به طول و عرض تقریباً برابر و مدور در انتهاست و بعلاوه در هر یک از بندها، به



ش ۶۶ - *Boerhavia diffusa* گیاه های گلدار (Ayur. dr.)

صورت زوج های نا برابر ظاهر می گردد. سطح فوقانی پهنک برگها، رنگ سبز ولی سطح تحتانی آنها، رنگ تقریباً سفید، و فلسهای ریزوترفیل دارد. ضمناً برگها، غالباً ظاهر مایل به ارغوانی پیدا می کنند. دسبرگ نسبتاً درازی، به طول معادل پهنک (۱۰-۳ سانتیمتر)، آنرا به ساقه متصل

می سازد. گلهای آن بسیار کوچک، به رنگ گلی تیره و مجتمع به تعداد ۴-۱۰ تائی، به صورت گل-آذین چتری است. میوه کوچک و بیضوی آن، پنج برجستگی و ظاهر کلی غده مانند دارد. در غالب نواحی هند تا بلوچستان، مناطق حاره و نیمه حاره آسیا، افریقا و امریکا پراکنده است.

**ترکیبات شیمیائی** - از این گیاه ماده ای با حالت گلوکزیده ی به دست آمده که **پونارناوین** punarnavine نامیده شده است بعلاوه دارای مقادیری زیادی از نیترات پتاسیم یا اسلاح دیگر آن است (7 - 2046 - Ind. Med. pl. III). با تزریق درون وریدی الکلوتید مذکور، رگ ریه، فشار خون جانور بالا می رود و حجم دفع ادرار افزایش می یابد که بیشتر مربوط به تأثیر این ماده، بر روی اپیتلیوم کلیه است. از نظر کلینیکی مصرف ۰ تا ۲ گرم شیره گیاه، سوچبات از زیاد حجم دفع ادرار را فراهم می آورد که می توان دسوارد خیز عمومی بدن و آب آوردن شکم، از آن استفاده کرد. چون مایع حاصل از گیاه مقادیر زیادی نیز اسلاح پتاسیم دربردارد که خود ماده مدری است و وجود آن، اثر الکلوتید مذکور را از نظر دفع ادرار بیشتر می نماید، بنظر می رسد که سواد مؤثر گیاه، اثری قوی تر از مدرهای دیگر در درمان بعضی حالات آب آوردن شکم (Ascites)، حالت سزمن تشمع کبدی و یا ورم سزمن صفاق داشته باشد (Ind. Med. Gazette).

**خواص درمانی** - برگ گیاه، طعم تند و ناپسند و اثری اشتها آور دارد. در رفع درد مفاصل از آن استفاده می شود. دانه اش مقوی، خلط آور و بادشکن است و در درمان دردهای ماهیچه ای و لمباگو می تواند مؤثر واقع گردد. ریشه گیاه اثر مدر قوی دارد بعلاوه خلط آور خوبی است ولی اگر به مقادیر زیاد مصرف شود، قی آور می گردد. از ریشه گیاه در رفع زردی، آب آوردن انساج، خیز عمومی بدن، کمی دفع ادرار و رفع التهاب های داخلی استفاده می شود. مخلوط آن با زنجبیل خشک، برای رفع کبیر به کار می رود. در بمبئی از آن جهت رفع استسقاء و در نواحی دیگر از کلیه قسمتهای گیاه، به علت مدر بودن، سابقاً در درمان سوزاک استفاده بعمل می آمده است. ضمناً در ورم سزمن کلیه و بیماری Bright همراه با خیز عمومی بدن، مؤثر واقع می گردد. مجموعه سوارد درمانی مذکور نشان می دهد که اعضای گیاه را باید یک داروی مدر خوب جهت درمان استسقاء و آب آوردن انساج بدن دانست.

**محل رویش** - فارس؛ کتل کمارج، بلوچستان؛ بشاگرد، قریشی در ۲۱ کیلومتری سکران؛ بین نیک شهر و واسپکه (Spakeh)، تنگ سرخ و نیک شهر. این گیاه وارپته هائی با گلهای قرمز و تیره رنگ با اثرات درمانی نسبتاً مشابه دارد.



**Mirabilis Jalapa L.**

فرانسسه : Nectage ، Belle du nuit ، Nectage du pérou ، Jalap indigène

انگلیسی: False Jalap ، Marvel of Peru ، Jalapenwunderblume

ایتالیائی: Bella di notte ، Meraviglia del perù عربی: شب اللیل ، اثمان

فارسی: لاله عباسی

گیاه علفی، چندساله، زینتی و دارای ساقه منشعب به ارتفاع ۰.۵ سانتیمتر تا یک متر



ش ۶۷ - Mirabilis Jalapa : سرشاخه گلدار

وحتی بیشتر است. برگهای متقابل، بیضوی نوک تیز با کناره ناهموار و گل‌های زیبا با ظاهر تقریباً قیفی شکل دارد. از مشخصات آن این است که گل‌های آن مرکب از جام و کاسه مشخص بنظر می‌رسد در حالی که اصولاً فاقد جام است و آنچه که به صورت کاسه گل جلوه می‌کند در واقع انولوکری از برگ‌هاست که در قاعده کاسه گل رنگین گیاه، جای دارد. رنگ کاسه گل نیز به علت

آنکه گیاه پیوسته پرورش می‌یابد، متفاوت و حتی در بعضی نمونه‌ها، ابلق است. پرورش آن در غالب نواحی معمول می‌باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی ریشه آن است که رنگ قهوه‌ای تیره دارد.

**خواص درمانی** - ریشه این گیاه دارای اثر سسهلی است ولی به عنوان دفع کرم نیز به کار

رفته است. گرد ریشه آن اگر به مقدار ۰.۱ تا ۰.۲ گرم مصرف شود، اثر سسهلی ظاهر می‌کند. برای این کار باید گرد ریشه را در آب یادر یک تیزان ویا در چای وارد کرد و سپس مصرف نمود ویا آنکه آنرا با مقداری قند سائید و بعداً به کاربرد. دم کرده نیمکوب ۰.۲ تا ۰.۸ گرم ریشه گیاه در ۱۰۰ گرم آب جوجه یا در جوشانده گوشت نیز یکی از صور استفاده از گیاه است.

در چین از خیسانده برگ آن در آب، نوعی ماده رنگی قرمز به دست می‌آورند که از آن، جهت رنگ کردن برخی انواع شیرینی استفاده بعمل می‌آورند ضمناً گرد دانه آن نیز در ژاپن به مصارف تغذیه می‌رسد.

انواع دیگر دارویی زیر نیز، به مصارف درمانی در نواحی مختلف محل رویش می‌رسند ولی ارزش قابل توجه ندارند.

۱- *Mirabilis dichotoma* L. \* - گیاهی است که در مکزیک می‌روید و ریشه‌اش

اثر سسهلی دارد.

۲- *M. longiflora* L. \* ، در امریکای شمالی می‌روید و مانند گیاه قبلی به مصارف

مشابه می‌رسد.

۳- *Boerhavia hirsuta* L. \* - این گیاه در نواحی حاره امریکا می‌روید و برگ‌های

آن بعنوان تب‌بر و صفرا بر مصرف می‌شود.

۴- *B. procumbens* Roxb. \* ، در هند می‌روید و به مصرف درمان آسم و ناراحتی‌های

ریوی می‌رسد.

۵- *B. erecta* L. \* ، در هند می‌روید و در نواحی محل رویش به مصارف درمانی می‌رسد.

اثر سسهلی و قی آور دارد.

لاله عباسی از گل‌های زینتی است که در ایران پرورش می‌یابد.

۶- از *Hermidium alipes* S. Warton \* ماده‌ای به نام **دوپامین** Dopamine

به فرمول  $C_8H_{11}NO_2$  و به وزن سلکولی ۱۸۳.۱۵ استخراج شده است (۱) که به صورت بلوریهای درشت و منشوری شکل متبلور می‌شود. در مقابل اکسیژن حساسیت دارد و به سرعت تغییر رنگ می‌دهد (سركا ایندکس).

## تیمه لئاسه Thymelaeaceae

گیاهانی بندرت علفی و غالباً به صورت درختچه یا بوته‌هایی با اعضای چوبی و دارای ... گونه در متجاوز از ... جنس (حتی بیشتر) می‌باشند و با آنکه منطقه پراکندگی آنها، نواحی معتدله گرم است، معهداً بیشتر در نیمکره جنوبی مانند استرالیا و جنوب آفریقا بدانها برخورد می‌شود.

از مشخصات آنها این است که برگ‌هایی غالباً متناوب، ساده و گل‌هایی نر- ساده (بندرت بلی‌گام یا دوپایه)، مرکب از قطعات عیاء تائی دارند. فاقد جام‌گل و یادارای آن ولی به صورت رشد نیافته‌اند. کاسه‌گل آنها لوله‌ای شکل و گاهی گلبرگ‌سانند است. پرچم‌های آنها به تعداد قطعات جام‌گل یا دوبرابر آنها و گاهی کمتر است. مادگی آنها شامل تخمدانی دوخانه و محتوی ۱ یا ۲ تخمک و میوه آنها فندقه، سته و یا پوشینه می‌باشد.

در بین این گیاهان، انواعی با ارزش درمانی قابل توجه وجود ندارد. بعضی از آنها دارای شیره تاول آور و انواع دیگر نیز به علت دارا بودن الیاف دراز فیبر، در صنعت قابل استفاده‌اند.

از جنس‌های مهم آن، Gnidia (دارای ... گونه)، Daphne (متجاوز از ... گونه) و Pimela (۸۰ گونه) را نام می‌بریم. انواع دارویی آنها به شرح زیر است:

\* *Daphne Gnidium* L.

*D. paniculata* Lmk., *Thymelaea Gnidium* All.

فرانسه: Tyméléce de Montpellier, Sainbois, Garou; ایتالیائی: Ditinella

انگلیسی: Flax-leaved - Daphne; آلمانی: Italienischer Seidelbast; عربی: شنان

درختچه‌ای است زیبا و به ارتفاع یک تا دو متر که در اراضی خشک نواحی مختلف منطقه مدیترانه، بطور خودرو می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌گردد. از مشخصات آن این است که ریشه دراز، ضخیم و ساقه راست و شاخه‌های پربرگ دارد. بر روی ساقه‌های آن نیز اثر برگ‌هایی که تدریجاً جدا گردیده‌است، دیده می‌شود. برگ‌های آن ضخیم، باریک و نوک‌تیز، کاملاً بی‌کرنک و گل‌های آن که در فاصله ماه‌های تیر و شهریور ظاهر می‌شود، کوچک، معطر، به رنگ سفید مایل

به صورتی یا قرمز و مجتمع به صورت خوشه انتهائی است. میوه‌اش سته، قرمز رنگ و محتوی دانه نسبتاً کروی با مغز سفید رنگ و روغن دار می‌باشد.

قسمت مورد استفاده این درختچه پوست ساقه آن است که به صورت نوارهایی به طول ۶ تا ۸ سانتیمتر در بازرگانی عرضه می‌شود. سطح خارجی این قطعات رنگ خاکستری قهوه‌ای با خاکستری صاف و سطح داخلی آنها، صاف و مایل به زرد یا کمی تیره رنگ است. بشره قطعات پوست آن به سولت جداشدنی است بعلاوه طولاً نیز می‌توان هر نواری را به سولت به صورت نوارهای باریکتر در آورد.

بوی آنها نامطبوع و تهوع آور و تحریک کننده مخاط و طعم آنها بسیار تند است.

**ترکیبات شیمیائی-** پوست این گیاه دارای یک ماده ملون به رنگ زرد، یک ماده چرب به رنگ سبز، قند، تانن، نوعی رزین به نام سه‌زه‌رئین *mézéréine*، به رنگ مایل به سبز و دارای طعم تند و سوزاننده، تاول آور و عطسه آور است بعلاوه دارای گلوکزیدی به نام **دافنین** *daphnine* می‌باشد که از هیدرولیز آن، گلوکز و **دافنه‌تین** *daphnéine* حاصل می‌شود.

**دافنه‌تین** *Daphnéine*، به فرمول  $C_9H_7O_6$  و به وزن ملکولی ۱۷۸٫۱۴ است. در الکل رقیق به حالت متبلور به دست می‌آید. در آب جوش، الکل رقیق و گرم و در اسید استیک گلاسیال گرم حل می‌شود.

**دافنین** *Daphnine* (*Daphnin 7-β glucoside*)، به فرمول  $C_{15}H_{17}O_9$  و به وزن- ملکولی ۳۲۸٫۰۳ است. در پوست ساقه و گل‌های انواع *Daphne* یافت می‌شود. استخراج آن از پوست تازه *Daphne Mezereum* L. توسط *Gandini* (۱) و سنتر آن توسط *Wessely* و *Sturm* انجام گرفته است (۲).

منویدرات آن به صورت بلورهای منشوری شکل به دست می‌آید. به حالت اتیدر (در ۸ تا ۹ درجه) در گرمای ۲۱۰ درجه تجزیه می‌گردد (*Wessly* و *Sturm*). در آب گرم و الکل محلول است ولی در اتر حل نمی‌شود. تعیین فرمول گسترده آن نیز توسط محققین اخیر انجام گرفته است.

برای آن اثر درمانی ذکر نشده است.

اهمیت پوست این درختچه منحصراً به علت وجود ماده رزینی مذکور در ترکیب آن

است.

1 - Gandini, Gazz Chim. Ital. 70, 611 (1940). CA 35, 1394 (1941).

2 - Wessly, Sturm, Ber. 63, 1299 (1930).

**خواص درمانی** - اگر سطح داخلی قطعه‌ای از پوست تازه این درختچه را بر روی پوست بدن قرار دهند، ایجاد تحریک، قرمزی، درد و تاول در آن ناحیه می‌شود. با خوردن آن، در معده احساس سوزش شده استقرآ ایجاد می‌گردد. مصرف مقادیر زیاد آن، تورم و التهاب در روده بوجود می‌آورد. دارای اثر زیادکننده ترشحات عرق و ادرار نیز می‌باشد.

در طب عوام به‌عنوان تاول‌آور مصرف می‌شود. برای این کار پوست تازه آنرا نیم‌ساعت در سرکه قرار داده سپس به‌مدت ۴ ساعت بر روی عضو اثر می‌دهند.

در مصارف داخلی به‌علت خطرناک بودن به کار نمی‌رود ولی سابقاً به‌عنوان رفع نفرس و رماتیسم و مداوای سیفیلیس با رعایت احتیاط به کار می‌رفته است.

**صور دارویی** - از پوست این درختچه سابقاً نوعی تیزان ۱۰ در هزار تهیه می‌شده است ولی امروزه بکلی متروک گردیده منحصرأ در مصارف خارجی نوعی پماد از آن در برخی موارد تهیه می‌شود.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

### Daphne Mezereum L.

Thymelaea Mezereum Scop. ، T. Praecox Gilib.

فرانسه : Garoutte ، Merlion ، Faux Garou ، Bois joli ، Mézeréon

انگلیسی : Mezereon آلمانی : Gemeiner Seidelbast ایتالیائی : Mezereon

فارسی : سازویون - عربی : زیتون الارص ، سازویون

درختچه‌ای است زیبا که در نواحی مختلف ایران به‌حالت وحشی می‌روید و در کشورهای مختلف نیز به‌عنوان زینت پرورش می‌یابد. ارتفاع ساقه اصلی آن معادل ۰.۵ تا یک متر است. برگهائی با ظاهر بیضوی نوک تیز و عاری از دمبرگ دارد که پس از ظاهر شدن گل در گیاه بوجود می‌آید. گل‌های آن بسیار زیبا و دارای بوئی بسیار معطر و به‌رنگهای مختلف قرمز یا گلی (بندرت مایل به سفید) است. میوه آن، آبدار، بیضوی، و در آغاز به‌رنگ سبز است ولی تدریجاً ضمن رسیدن کاسل، به‌رنگهای قرمز ارغوانی و تیره در می‌آید.

نمونه‌های پرورش یافته این درختچه، گل‌های درشت‌تر و رنگ سفید یا قرمز دارند و علاوه طول درختچه از ۲ متر ستجاوز می‌گردد.

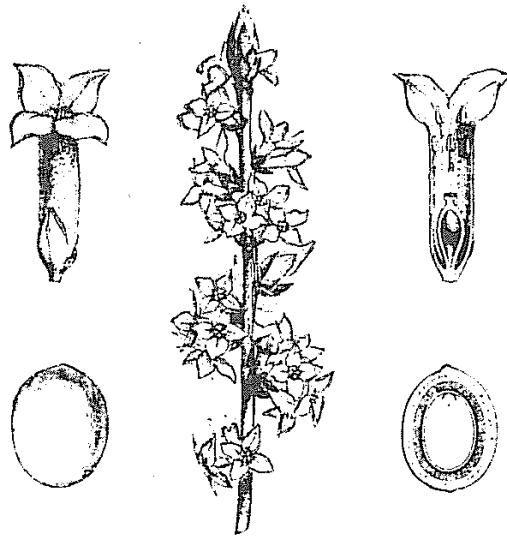
پوست ساقه این گیاه از نظر ترکیبات شیمیائی دارای سوادى مشابه نوع قبلی است . دانه آن بطوریکه بررسی بعمل آمده دارای ۳۰ تا ۴۰ درصد سادۀ روغنی است و روغن حاصل از آن نیز، رنگ زرد مایل به سبز، حالت خشک شونده (seccative) و مشخصاتی به‌شرح زیر دارد:

— وزن مخصوص در گرسای ۱۵ درجه معادل ۰.۹۲۴.

— اندیس صابونی وید به‌ترتیب ۱۹۶-۱۹۷-۱۳۵ و ۱۲۷

**خواص درمانی** - از قدیم الایام، پوست، برگ و میوه آن به‌مصارفی نظیر گیاه قبلی می‌رسیده است ولی چون خطرناک بوده، از آن با رعایت نهایت احتیاط، استفانۀ بعمل می‌آمده است. مصرف آن بیشتر به‌عنوان مدر، مسهل، معرق و التیام‌دهنده زخمها بوده است. استفاده از آن به‌علت خطراتی که پیوسته همراه داشته، تدریجاً متروک گردیده است.

در استعمال خارج منحصرأ از پوست آن، آن‌هم با رعایت احتیاط، به‌عنوان قرمزکننده



ش ۶۸ - Daphne Mezereum : شاخه گلدار - گل کاسل و برش قائم آن ،

میوه کاسل و برش قائم آن

پوست و تاول آور در موارد ضروری استفاده می‌گردد. از میوه‌اش نوعی سادۀ رنگی قرمز جهت استفاده در نقاشی به‌دست می‌آورند .

**محل رویش** - این گیاه در شمال غربی ایران، جنگلهای طالش، دینوچال، کلاردشت، گلندرود، ویسر (Weyser) ، نواحی شرقی دره چالوس در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری و دشت لاله در جنوب شرقی زیراب در ۱۴ متری می‌روید. در کتب قدیمی به‌اساسی هفت برگ، شمشاد و (Mosht - rou) ، خامالا، کانی رو ، سرخا و سرخالیوس نیز نامیده شده است .

**Daphne oleoides Schreb.**

D. angustifolia C. Koch. ، D. mucronata Royle.

گیاهی بوته‌سازنده، پرشاخه و به ارتفاع ۱-۳ متر است. برگ‌های با پهنای کم، به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر و به عرض ۰ تا ۱ سیلیمتر، تقریباً عاری از دمبرگ، ضخیم و به رنگ سبز روشن دارد. گل‌های سفید یا سفید مایل به صورتی آن، به تعداد ۳-۹ تائی در قسمت انتهائی شاخه‌ها ظاهر می‌شود. میوه آن گوشتدار، بیضی، به رنگ نارنجی یا سرخ و به درازای ۰.۷-۱ سیلیمتر است. در ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری مغرب هیمالیا و افغانستان تا ایتالیا پراکنده می‌گردد.

**خواص درسانی** - پوست ساقه آن به‌صورت درمان بیماریهای جلدی می‌رسد. از برگ آن در بعضی نواحی محل رویش، جهت مداوای سوزاک و باقرار دادن آن بر روی دمل، جهت سرباز کردن آن استفاده می‌کنند (Stewart). جوشانده ریشه آن در صمغ داخلی به‌عنوان مسهل مصرف دارد (Aitchison). در بلوچستان از برگ‌های خشک و خرد شده آن ۲ مخلوط در روغن جهت درمان جوش و دانه‌های جلدی استفاده می‌شود.

**محل رویش** - در لرستان، قلعه دختر بین سیرجان و کرمان و دانه‌های سنگی کوه جویبار در ارتفاعات ۲۱۶۰ تا ۲۵۰۰ متری می‌روید (فلور ایران). در فلورا - ایرانبکا وجود آن در ایران ذکر نشده است. از گونه‌های داروئی این گیاهان که از نظر درسانی در ردیف دو گیاه قبلی ولی با اثر ضعیف‌تر قرار دارند، ۳ گیاه زیر را که هیچیک در ایران نمی‌رویند ذکر می‌نمائیم:

**D. laureola L.** \* ، درختچه‌ای است با برگ‌های ضخیم، چرمی، شفاف و به رنگ سبز تیره که در اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه می‌روید ولی در ایران دیده نشده است. گل‌های آن به رنگ سبز مایل به زرد و دارای نوش کافی است ولی به علت دارا بودن لوله کاسه گل، نمی‌تواند مورد استفاده زنبور عسل قرار گیرد.

خاصیت درسانی آن شبیه گونه‌های قبلی ولی با اثر ضعیف‌تر است.

**D. cneorum Linn.** \* درختچه‌ای است که در منطقه مدیترانه و ارتفاعات هیمالیا می‌روید و مانند نوع دیگری به نام **D. alpina L.** \* که در نواحی جنوبی اروپا می‌روید، اثر تاول آور دارد ولی به مصرف نمی‌رسد.

در تیره Thymelaeaceae، گیاهان سفید دیگری نیز جای دارند که شهرت درسانی بعضی از آنها، قدمت تاریخی دارد و در کتب داروئی قدیم وارد شده‌اند. از بین این گیاهان به شرح مختصر انواع زیر اکتفا شده است:

۱- **Aquilaria malaccensis Lamk.** \* ، درختی است مرتفع که در بعضی از نواحی هیمالیا و مالاکا می‌روید. چوب بسیار معطر دارد و از قدیم الایام تحت نام **چوب آلوئس** Aloe Wood به‌صورت مختلف و درسانی، مانند رفع ناراحتی‌های هضمی، و مقوی می‌رسیده است به‌علاوه از آن اسانس معطری به دست می‌آورده‌اند که در عطرسازی مورد توجه بوده است.

نوع دیگر آن **A. agallocha Roxb.** \* ، است که آن نیز در هیمالیا، بعضی نواحی شرقی آن و در آسام می‌روید. چوب بسیار معطر آن بنام **سکور و Bois d'Agaloché** در معرض استفاده قرار می‌گرفته است.

۲- **Edgeworthia chrysantha Lindl.** \* ، در ژاپن می‌روید و از آن برای تهیه کاغذ استفاده می‌شود.

۳- **Thymelaea Tartonaria All.** \* ، در منطقه مدیترانه می‌روید و پوست آن بعنوان قی آور مصرف می‌شود.

۴- **Dirca palustris L.** \* ، در اسرکای شمالی می‌روید و پوست آن اثر مسهلی و قی آور دارد.

هیچیک از گیاهان اخیر در ایران نمی‌رویند.

## تیره Elaeagnaceae

تیره سنجد مرکب از گیاهانی به صورت درخت یا درختچه، غالباً خاردار و مرکب از ۳ جنس و متجاوز از ۲ گونه (در بعضی کتب علمی ۰ گونه) است. در غالب رده بندی‌ها نیز به علت فاقد بودن جام گل، در بین گیاهان بدون گلبرگ جای داده می‌شود ولی امروزه با توجه به شباهتی که تخمدان سادگی گیاهان آن، به گیاهان راسته Myrtales دارد، آنرا به این راسته ضمیمه می‌نمایند. در منطقه وسیعی از اسرکای شمالی، اروپا و جنوب آسیا نیز بدانها برخورد می‌شود.

از نظر کلی عموماً گیاهانی با برگ‌های متناوب (بندرت متقابل)، ساده، بدون استیپول و پوشیده از تارهای نقره‌ای می‌باشند. گل‌های آنها بر دوتی نوع نروماده، پلی گام، ۲ پایه و معمولاً شامل قطعات ۴ تائی است. درون پوشش گل آنها، پرچمهایی به تعداد کاسه گل ۲ برابر آن و سادگی مرکب از یک برچه محتوی یک تخمک جای دارد.

میوه آنها سته‌مانند و ناشکوفاست.